



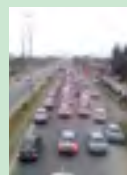
مسجد الگوی آبادانی روستا



سبز قبا
پرنده ای خوش
آب و رنگ



گفتگو با سید
هادی حسینی
یکی از بانیان
مسجد جامع
محمد آباد



حاشیه های
ترافیکی
محمد آباد



گرامیداشت
هفته دفاع
مقدس

موج روی موج ، می رسد به اوج
سیل بی امان حاجیان نیمه جان

کشتار روز

مرغ فروشی سعادت

فروش مرغ، تخم مرغ، دل، جگر، سنگدان و

تلفن: ۰۹۳۹۷۸۶۹۵۰۱ - سعادت
آدرس: محمد آباد ، روپروی شرکت تعاونی متحد

سفارشات
پذیرفته می شود.



منابع آب رو به کاهش است؛ به اندازه مصرف کنیم.



ناور

نشریه داخلی کانون فرهنگی شهید مکتبی روستای محمدآباد گرگان
زیر نظر دبیرخانه کانونهای فرهنگی و هنری مساجد گلستان
سامانه پیامک: ۳۰۰۰۱۲۲۰۰۰۰۰۶۵
وبسایت: navaronline.ir
پست الکترونیک: info@navaronline.ir

پیشرفت امور با همدلی

[علی خورشیدکلایی]

یادداشت
سردبیر

تجربه نشان داده که هر جا گروهی همدل به اتفاق هم دست به کاری زده اند نتیجه مطلوب از آن حاصل شده است. البته ممکن است هر کس همدلی را به گونه ای معنی کند. یکی صمیمیت بین اعضای گروه، یکی همفکر و هم رای بودن، یکی رفاقت و که همه اینها می توانند درست باشد. ولی در اینجا بحث بر سر یکدل و یک رای بودن در کنار صمیمیت بین اعضا می باشد. به اینها برنامه ریزی را هم اضافه کنید که بدون برنامه ریزی کار چندانی پیش نخواهد رفت. البته این بدین معنا نیست که بر خطاهای هم چشم پوشیم و آن ها را نادیده بگیریم. بلکه باید به شیوه ی درست انتقاد کنیم. که انتقاد یکی از ارکان اصلاح امور و پیشرفت است. در جامعه بدون نقد از خطاها چشم پوشی شده و کاستی ها نادیده گرفته می شود که بالاخره نتیجه آن باعث گرفتاری مردم خواهد شد. و از طرفی باید ظرفیت انتقاد کردن و انتقاد شنیدن را در خودمان بالا ببریم و هم یاد بگیریم درست انتقاد کنیم و هم یاد بگیریم که انتقاد پذیر باشیم. البته انتقادی که از سر دلسوزی باشد با انتقادی که از روی غرض و کینه است کاملاً معلوم است و خوشبختانه مردم روستای ما فرق آن را خوب می فهمند.

در پایان ذکر این نکته ضروری می نماید که اگر در نشریه مطلبی گفته می شود و یا از کسی انتقادی می شود خدای نکرده قصد اهانت یا تخریب کسی یا گروهی را نداشته و نداریم و هدف از انتقاد اصلاح امور است. که امیدواریم با همدلی که بین مسئولین روستا وجود دارد روز به روز شاهد پیشرفت و آبادانی روستای عزیزمان در همه زمینه ها باشیم که به قول حافظ:

« آری به اتفاق جهان می توان گرفت »
به امید آئروز

مدیر مسئول: محمد عباسی محمدآبادی

سردبیر: علی خورشیدکلایی

همکاران این شماره:

رضانعلی حمزه ای، صادق ناصری محمدآبادی، محمد حمزه ای، محمد عباسی محمدآبادی، ابوالقاسم سالاری، سید ابوطالب حسینی، مجتبی مازندرانی، محمد علیپور محمدآبادی، مسعود حمزه ای، محمد حمزه محمدآبادی، محسن حمزه ای، حسان حمزه محمدآبادی، امیرحسین سعادت، فاطمه شعبانی، فاطمه مازندرانی

*** مطالب منتشر شده در نشریه صرفاً دیدگاه این نشریه نمی باشد.**

الهی

دانم که بی تو هیچکس
دستم گیر که در تو رسم

فهرست مطالب

یادداشت	۴
خبر	۶
اجتماعی	۸
سیره ائمه / نهضت علمی امام صادق (ع)	۱۰
دفاع مقدس / جیب قمقمه ام دگمه نداشت	۱۲
گزارش ویژه / یک دهیار ، یک محمدآباد	۱۴
گوناگون	۱۸
نوجوان / قرآن ، صحیفه هدایت	۱۹
حیات وحش / سبز قبا	۲۰
کشاورزی / استفاده از کود ورمی کمپوست	۲۱
گزارش / اولین مسجد محمدآباد	۲۲
کندس پادشاه	۲۴
تکنولوژی	۲۶
گزارش تصویری	۲۷

عذرخواهی

در شماره قبلی مطلبی داشته ایم با نام اوسانه شهری و دهاتی که قرار بود ادامه آن در این شماره منتشر شود ولی متأسفانه به دلیل بدقولی نویسنده مطلب، نتوانستیم ادامه آن را جهت چاپ آماده نماییم. به همین دلیل از خوانندگان عزیز پوزش می طلبیم و انشاءالله در شماره بعد ادامه اوسانه را برای چاپ آماده خواهیم کرد.

جناب آقای محمد حمزه محمدآبادی عضو محترم هیئت تحریریه ناور درگذشت پدر گرامیتان جناب آقای صفر حمزه محمدآبادی را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض می کنیم.

هیئت تحریریه نشریه ناور

جناب آقای مجتبی مازندرانی عضو محترم هیئت تحریریه ناور تولد دختر دلبندتان را به شما و خانواده محترم تبریک عرض می کنیم.

هیئت تحریریه نشریه ناور

لزوم احترام در خانواده

رمضانعلی حمزه‌ای

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: از نشانه‌های او (خدا) اینکه همسرانی از جنس خودتان آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید. این آیه بر لزوم حفظ آرامش و احترام به یکدیگر در خانواده اشاره دارد. اما متأسفانه گاهی مشاهده می‌شود که در بعضی از خانواده‌ها زن و شوهر و یا فرزندان احترام یکدیگر را حفظ ننموده و نسبت به هم با کلمات ناپسند و حتی زشت برخورد نموده و احترام و کرامت انسان (که خداوند در قرآن نیز به آن اشاره دارد) در این میان نادیده گرفته می‌شود که عواقبی چون نادیده گرفتن خانواده و راه ناهنجاری‌های اجتماعی را در پیش گرفتن در پی دارد، بنابراین ضرورت دارد در خانواده ابتدا زن و شوهر حرمت یکدیگر را حفظ نموده تا فرزندان نیز از این روش الگو برداری نموده و علاوه بر حفظ احترام والدین به سایر برادران و خواهران و اقوام و همچنین سایر افراد جامعه نیز احترام بگذارند. به امید آنکه جامعه‌ای سالم و بدور از تنش‌های اجتماعی داشته باشیم.

کمبود آب

عیسی‌اتراچالی*

گرفتن عواقب کار خود اقدام به افزایش مترائز رویه‌های شالیکاری خود می‌کنند که این اقدام آنان مدیریت آب را دچار مشکل جدی می‌کند. بعنوان مثال در امسال اگر بارش باران نبود امکان خشک شدن چندین هکتار از زمین‌های زیر کشت وجود داشت. اعضای هیأت امنای آب‌بندان پس از بررسی وضعیت و با استفاده از نظر کارشناس جهت رفع این مشکل ۲ راه حل را ارائه دادند که انشالا... در سال آینده مورد استفاده قرار خواهد گرفت. ۱. یا باید مترائز زمین‌های زیر کشت کمتر شود تا همه هر ساله بتوانند شالیکاری نمایند. ۲. یا شالیکاری بصورت متناوب یک سال در میان بین کشاورزان ۲ رویه تقسیم شود که در این صورت هر سال یک عده از شالیکاران می‌توانند شالیکاری نمایند. البته چنین وضعیتی برای آب‌بندان شماره یک هم وجود دارد.

*رئیس هیأت امنای آب‌بندان شهید صدوقی محمدآباد

بی‌شک همه ما از برکات و عواید آب‌بندان برای روستا باخبریم و می‌دانیم در رشد اقتصادی روستا تأثیر بسزایی دارد و سالانه از محل درآمد آن، عده زیادی از مردم از آن بهره‌مند می‌شوند و هم در بحث توسعه زیرساخت‌ها و عمران و آبادانی روستا نقش دارد. با احداث آب‌بندان شماره ۲ هم درآمد آب‌بندان افزونتر و هم کشاورزان بیشتری در بحث کشت شالی از آن بهره‌مند گردیدند. از همان بدو امر نظر بر این بود که در صورت شالیکاری زمین‌های پایین دست آب‌بندان شماره ۲ نسق‌های شالیکاری بصورت متناوب و یک سال در میان کشت شود. دو سال است که زمین‌های پایین دست آب‌بندان شماره ۲ مورد کشت شالی قرار می‌گیرد. در این دو سال همواره نگرانی از کمبود آب وجود داشته و هنوز هم وجود دارد، که با توجه به ظرفیت آبیگری آب‌بندان (۱۰ هکتار با دیواره) باید نسبت به مدیریت صحیح آب توجه ویژه داشت که این امر نیازمند تعامل بین عوامل آب‌بندان و بویژه کشاورزان می‌باشد. متأسفانه مشاهده می‌شود عده‌ای از کشاورزان بدون در نظر

حاشیه‌های ترافیکی محمدآباد

محمدعلیپور

روند که در دوربرگردان انتهایی روستا ترافیک زیاد و همچنین خطر سازی مشاهده می‌شود با اینکه یک دور برگردان دیگر رویروی نمایشگاه وجود دارد و همه ماشین‌ها می‌توانند از آنجا دور بزنند اما نمی‌دانم به چه دلیل بسته است و ماشین‌ها باید بایند و در حریم روستا دور بزنند- در مورد ترافیک ناشی از نمایشگاه در طول سال معمولاً دو بار به مدت ۴ - ۵ روز تعداد زیاد ماشین‌ها بعضاً تا پل هوایی ترافیک ایجاد کرده است و گذشته از آن ظرفیت پارکینگ نمایشگاه پر می‌شود و بقیه وسایل نقلیه در حاشیه روستا، در کنار جاده و هر جای دیگر که جا پیدا کنند پارک می‌کنند و به نوعی خیابانهای روستا در اطراف نمایشگاه به نوعی به یک پارکینگ عمومی تبدیل می‌شود که مشکلات و بی‌حوصلگی‌های ناشی از آن را به همراه دارد.



ترافیک جاده‌ای محمدآباد با اینکه همیشه روان است و وسایل نقلیه با سرعت معمول حرکت میکنند اما گاهی اوقات شاهد ترافیک سنگین در سطح جاده هستیم که عامل این مشکلات ۲ علت بیش نیست. ۱) فرودگاه (۲) نمایشگاه. در حال حاضر با به تعلیق در آمدن سفرهای عمره کمتر شاهد این مشکل ترافیکی ناشی از پروازهای عمره هستیم - در هنگام پروازهای مکه همه ماشین‌های زائران در لاین آق قلا - گرگان با سرعت بالا از خیابان فرودگاه به سمت گرگان حرکت میکنند و هر ماشین دیگری اگر بخواهد وارد خیابان بشود یا دور برگردان را دور بزند کلی باید منتظر باشند که برای این مشکل سانحه ساز هیچ چاره‌ای نیست جز تحمل... در مواقعی هم که زوار اهل تسنن باشند همه ماشین‌ها، دور برگردان انتهایی روستا را دور میزنند و به سمت آق قلا می

نقش تربیتی والدین در تحصیل دانش آموزان

محمد حمزه ای

حداکثر تعداد بسیار کمی از پدران با مدارس محل تحصیل فرزندان خود در ارتباط هستند که دلایل این مسئله نیز به طور جداگانه باید مورد بررسی قرار گیرد. آنچه باعث شد بنده این چند سطر را جهت یادآوری عزیزان به قلم در آورم احساس مسئولیت در برابر آینده فرزندان این دیار می باشد. برای نمونه باید به سال تحصیلی گذشته اشاره کنیم که در مقطع ابتدایی هیچ گونه قبولی در مدارس نمونه، تیزهوشان و ... گران نداشتیم در حالیکه سال پیش از آن با همت و تلاش و پیگیری همین خانواده های محترم تعداد شش تن از عزیزان مقطع ابتدایی، در مدرسه نمونه دولتی گران پذیرفته شدند که باعث افتخار خود و خانواده های شان و همچنین اهالی روستا گردیدند.

ختم کلام اینکه اگر می خواهیم فرزندانمان سال تحصیلی موفق را پشت سر بگذارند باید از هم اکنون و ابتدای سال تحصیلی به فکر بوده و تلاش و پیگیری خود را در این زمینه بیشتر کرده و با آموزشگاه های محل تحصیل فرزند دلبندمان بیشتر و بیشتر در ارتباط بوده و از اولیای مدرسه و دبیران راهنمایی کمک بگیریم.

به امید سربلندی و پیروزی همه فرزندان ایران زمین

خانواده به عنوان اولین نهاد اجتماعی در ارتباط با آموزش و یادگیری کودک و پیشرفت و موفقیت او نقش بسیار مهمی ایفا می کند. هم چنین برای داشتن یک جامعه سالم نیازمند داشتن فرزندان سالم و توانمند هستیم و با توجه به آغاز فصل پاییز و بهار آموزش و پرورش نیاز است تا به والدین گرامی یادآور شویم که یکی از مهمترین و به عبارت دیگر اساسی ترین راه های کمک به یادگیری و پیشرفت تحصیلی فرزندان دلبندتان، همکاری و هم گامی صمیمانه و بدور از هرگونه تعصب و جانبداری بیهوده با اولیای مدرسه و آموزشگاه محل تحصیل فرزندانمان می باشد. به نظر اکثر دانشمندان تعلیم و تربیت و تجربه ای که بنده در طول سالیان متمادی تدریس و آموزش به نسل نوجوان کسب کرده ام، مهمترین راز و رمز موفقیت و پیروزی کودکان و نوجوانان دلبندتان پشتیبانی درست و بجا از اولیای مدارس در جهت آموزش درست فرزندان می باشد.

متأسفانه این مسئله در طول سالیان دراز در روستای محمداًباد بطور کلی رنگ باخته است و ارتباط مفید و سازنده بین اولیا و مربیان به ندرت مشاهده می شود. هم چنین امروزه بیشتر مسئولیت ارتباط خانه با مدرسه بر عهده مادران گرامی و پرتلاش است و باید گفت اکثر پدران هیچگونه مسئولیتی در این زمینه ندارند.

فروش و اجاره املاک و مستغلات

ابوالقاسم سالاری

مهاجرت پدیده ایست که همیشه در حال رخ دادن است چه در زمان های قدیم و چه در حال حاضر. گاه این پدیده از سر جبر بوده و افراد ناچار به مهاجرت می شوند و گاه با میل و رغبت برای دستیابی به جایی بهتر و امکانات و رفاه بیشتر. این پدیده هم دارای تبعات مثبت است و هم تبعات منفی. و در واقع نمی توان از بروز مهاجرت جلوگیری کرد ولی می توان با برنامه ریزی و به نوعی قانونمند کردن آن جلوی تبعات منفی آن را گرفته و تبعات مثبتش را افزایش داد.

روستای ما یکی از معدود روستاهایی است که بواسطه نزدیک بودن به شهر گران بعنوان مرکز استان و سهولت رفت و آمد همیشه مورد توجه قرار گرفته و جذابیت های زیادی برای افراد غیر بومی و مهاجر برای اسکان دارد. و معمولاً تقاضا برای خرید یا اجاره واحد مسکونی یا تجاری وجود دارد. لذا بر ماست که با دقت در صلاحیت افراد ساختمان خود را به کسانی اجاره دهیم که دارای سوء سابقه و سوء پیشینه نباشند. به زبان ساده تر به افراد دزد و کلاهبردار و خلافکار واگذار نکنیم. چون حضور این گونه افراد مطمئناً باعث ایجاد ناامنی در محیط روستا گردیده و این اشخاص از این اماکن به عنوان محلی برای تردد افراد خلافکار و محیطی امن برای آنها استفاده می کنند.

در اینجا روی صحنه مان بیشتر با آن دسته از عزیزان هم محلی است که با مهاجرت به شهر ساختمان مسکونی خود را بدون در نظر گرفتن عواقب آن برای اهالی روستا به اینگونه افراد واگذار می کنند و از آنجایی که خود با عدم حضور در روستا درگیر مشکلات و مسائل ایجاد شده نیستند لذا بدون در نظر گرفتن صلاحیت اشخاص موجبات دردسر و ناامنی را برای اهالی روستا بوجود می آورند که می توانند با کمی توجه بیشتر در مورد این مسئله به ظاهر ساده کمک شایانی به ایجاد امنیت و جلوگیری از بسیاری ناهنجاریها کرده و یا آنها را به حداقل برسانند.



نشریه ناور؛ تنها نماینده استان در جشنواره کشوری محراب قلم



ناور محمدآباد در جشنواره محراب قلم - نشریات برگزیده کانون های فرهنگی مساجد - عنوان سوم را در دو رشته "یادداشت" و "خبر" به خود اختصاص داد. این جشنواره همزمان با تولد حضرت فاطمه (س) و بنیانگذار انقلاب امام خمینی (ره) در شهرستان خمین برگزار شد.

نشریه ناور بعنوان تنها نشریه از استان گلستان در بین ۴۵۰ نشریه تجربی از سراسر کشور توانست این عنوان را به خود اختصاص دهد؛ لازم به ذکر است هیئت داوران هیچ یک از نشریات شرکت کننده را به عنوان نشریه برتر انتخاب ننموده و نیز بعضی از رشته های مرتبط (گزارش نویسی و ...) را نیز به عنوان نفرت برتر اعلام نمودند. صادق ناصری و محسن حمزه ای بعنوان تنها نمایندگان استان گلستان در این جشنواره حضور داشتند.

تعریض معابر روستا

از ابتدای سال ۹۴ مسیرهای پر تردد روستا که دچار مشکل بود تعریض گردید. به گفته دهیار روستا مسیرهایی که در طی ۳۰ سال گذشته هیچگونه عملیاتی جهت تعریض آنها صورت نگرفته بود مورد تعریض واقع گردیدند. رمضانپور یکی از مشکلات اصلی را مشکل تردد و همچنین عدم دسترسی ماشین های اتفاقات و آتش نشانی در موقع بروز سانحه و بحران را از دلایل این طرح عنوان کرد. دهیار روستا گفت این طرح در صورت کمک بلاعوض شورای اسلامی ادامه خواهد داشت. بنا به گفته دهیار این طرح تا کنون ۳۵ میلیون تومان هزینه در بر داشته است.

صادق ناصری؛ نفر برتر جشنواره فیلم طپش

فیلم مستند دستهای آسمانی به نویسندگی و کارگردانی صادق ناصری محمدآبادی برگزیده جشنواره طپش گردید.

در این جشنواره هفتاد و پنج فیلم در بخش های متفاوت از کانونهای فرهنگی هنری مساجد کشور در تالار فخرالدین اسعد گرگانی به نمایش درآمد. هیئت داوران در بخش مستند این فیلم را بعنوان اثر برتر انتخاب نمودند.

فیلم دستهای آسمانی زندگی پیرزن معلول ترکمن در روستای پیرواش آق قلا در کنار عشق، مذهب و موسیقی به تصویر کشیده است.

این فیلم به همت و تهیه کنندگی کانون فرهنگی بعثت مسجد جرجانیه روستای پیرواش ساخته شده است.

کلاسهای خبرنگاری نوجوانان

پس انتشار اولین شماره ناور سبز در اردیبهشت ۸۲، تحریریه ناور پس از وقفه ای طولانی تصمیم به انتشار شماره جدید نشریه ناور سبز (ناور نوجوان) گرفت؛ به همین دلیل در تابستان ۹۴ کلاس آموزش خبرنگاری برای نوجوانان دختر و پسر، جهت انتشار مجدد ناور سبز در محل کتابخانه کانون، برگزار می شود. این کلاسها پس از برگزاری موفق کلاسهای آموزش خبرنگاری و روزنامه نگاری مقدماتی کانون فرهنگی در سطح استان در حال برگزاری است و امیدواریم از دل این کلاسها نشریه ناور سبز که مخصوص نوجوانان است را دوباره منتشر نماییم.



مسجد؛ الگوی آبادانی روستا

چیزهایی که بسیار ضروریست چشم پوشی کرده یا به نفع مردم و پیشرفت جامعه عقب نشینی نمود. که بر اساس همین رویه ای که از ابتدا در روستایمان بوده هیئت امانه و مسئولین روستا و مسجد جامع در اقدامی قابل تحسین اجازه تخریب و عقب نشینی دیوار و سردرب مسجد جامع را داده اند. با تشکر از همکاری اهالی در این زمینه متأسفانه عده ای اندک از اهالی محترم روستا با دهیاری و شورای اسلامی در خصوص عقب نشینی هیچ گونه همکاری نکردند.

بی شک هر یک از افراد در قبال جامعه وظایفی دارند و مطمئناً برای پیشرفت و آبادانی روستا عده ای از خودگذشتگی کرده و به فزاینده توان، نیاز و موقعیت، وظیفه خودشان را انجام می دهند. عده ای با وقت گذاشتن در پست های خدمتی روستا، عده ای با همکاری در کارها، تعدادی نیز در قسمت های مختلف انجام وظیفه کرده اند و گاهی نیز باید برای پیشرفت و آبادانی حتی از

تسطیح و مرمت آب بندان

۲ که در حین ساخت عملیات ساخت آن اصولی انجام نشده بود و پستی و بلندی های فراوانی داشت، طی پارسال و امسال مسطح گردید. سال گذشته حدود ۶۰ درصد آن و امسال ۴۰ درصد باقیمانده آن تسطیح شد. عملیات خاکبرداری و لایروبی از آب بندان شماره یک نیز در حال انجام است.

۷۰۰ متر از دیواره آب بندان خاکریزی شد. هیئت امناء آب بندان در حین خاکبرداری و تسطیح آب بندان شماره ۲ دیواره ی آب بندان شماره یک را به طول ۷۰۰ متر در ضلع شمالی آب بندان خاکریزی و مستحکم سازی کرد. همچنین در عملیات بهسازی آب بندان کف آب بندان شماره تسطیح شد. کف آب بندان شماره



والیبال جام نوروز

بمناسبت نوروز و گرامیداشت یاد و خاطره حاج محمد ذبیحی یکدوره مسابقات والیبال برگزار شد. این مسابقات با شرکت ۱۴۰ ورزشکار و در قالب ۱۱ تیم در ۲ گروه به صورت دوره ای برگزار شد که چهار تیم محمدآباد، پیشکسوتان کماسی، جوانان کماسی و دهیاری امیرآباد به مرحله یک چهارم نهایی راه یافتند و در پایان تیم جوانان کماسی مقام اول و تیم های دهیاری امیرآباد و محمدآباد به مقام های دوم و سوم دست یافتند. این مسابقات از تاریخ ۹۴/۱/۱۴ الی ۹۴/۱/۳ ورزشی روستا برگزار گردید.

مسابقه کشتی شال

به مناسبت نوروز و گرامیداشت یاد و خاطره پهلوانان کشتی شال روستای محمدآباد یکدوره مسابقات کشتی در روز ۱۴ فروردین در محل سالن ورزشی روستا برگزار که ۴۳ کشتی گیر در چهار وزن به رقابت پرداختند. در پایان به نفرات برتر هر وزن نیز جوایزی اهدا گردید.

فوتسال بانوان

تیم فوتسال بانوان روستا توانست در مسابقات فوتسال جام رمضان به کسب مقام دوم و همچنین در مسابقات جام روستایی عشایری استان به مقام سوم دست یابد. نشریه ناور ضمن عرض تبریک به مسئولین و بازیکنان تیم برای آنان آرزوی موفقیت دارد.

کسب عنوان دومی مسابقات شنا

آرشام چهارنایی شناگر نونهال روستا در مسابقات شنای زیر ۱۰ سال شهرستان گرگان به مقام دومی نائل آمد.

مقاوم سازی مدرسه راهنمایی پسرانه



به گزارش ناور؛ مقاوم سازی مدرسه راهنمایی پسرانه روستای محمدآباد از تاریخ ۹۴/۴/۱ شروع شده و طبق قرارداد و نقشه ی اولیه ساختمان که تنها بخش هایی از ساختمان باید مقاوم سازی می شد در مدت سه ماه بایست به اتمام برسد اما در حین کار قسمت هایی نیز به آن افزوده شد، و

طبق گفته های پیمانکار، این روند سه ماهه ممکن است چهار ماه بطول بیانجامد؛ هزینه ی مقاوم سازی مدرسه طبق نقشه اولیه حدود ۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان و براساس افزایش کار، نظیر: بازسازی محوطه- روکاری تمامی اتاق ها و نمای بیرونی ساختمان هزینه ی کار به حدود ۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان افزایش می یابد. طبق این گزارش، روند مقاوم سازی با در نظر گرفتن احتمال هایش تا پایان مهرماه باید به اتمام برسد. و کلاسهای دانش آموزان تا تکمیل ساختمان مدرسه در هنرستان فنی سرداران شهید در جنب مدرسه برگزار می گردد.

صعود گروه کوهنوردی اوج سبز به قله دماوند و اشترانکوه



جمعی از کوهنوردان گروه کوهنوردی اوج سبز موفق به صعود به قله دماوند و اشترانکوه شدند. عده از کوهنوردان جوان روستا در کمتر از ده روز اول به قله اشترانکوه در استان لرستان و سپس به قله دماوند صعود کردند. علی حمزه محمدآبادی، سید یحیی حسینی، احمد علیپور، محمدسعید حمزه ای، حسن مازندرانی، مجتبی مازندرانی، رسول شعبانی و محمد رمضانپور اعضای صعود کننده بودند که در تاریخ ۹۴/۵/۱۲ به قله اشترانکوه و در تاریخ ۹۴/۵/۲۲ به قله دماوند صعود کردند.

منفی

مثبت

➕ یک نشان مثبت تعلق می گیرد به بچه های شب گشت که از خواب شیرینشان می زنند و شب ها امنیت روستا را تامین می کنند. و از روزی که فعالیت شان را شروع کرده اند آمار دزدی و سرقت داخل روستا کاهش چشمگیر داشته که امیدواریم این روند ادامه داشته باشد و هیچوقت شاهد سرقت و دزدی در روستا و کلا جامعه مان نباشیم. خدا قوت

➖ یک نشان منفی به بعضی از اهالی روستا که هیچگونه همکاری در بحث عمران و آبادانی روستا ندارند تا جایی که در روند جدول کشی معابر خودشان برق مصرفی بوتونیر را از کارگران و... دریغ کردند. و البته یک نشان مثبت هم به بعضی از اهالی تعلق می گیرد که همکاری صمیمانه ای با این عزیزان دارند.

➕ یک نشان مثبت به بچه های کوهنوردی، کوهنوردی از آن دسته از رشته هایی است که انتظار مدال داشتن از آن چیز بیهوده ای است. رقابت در کوهنوردی با افراد نیست و در واقع رقابت با خود کوه است. و صعود به قله مرتفع و معروف به نوعی همان حکم مدال آوری را دارد. همه اینها را گفتیم که اشاره کنیم به گروه کوهنوردی اوج سبز که در مردادماه امسال و در کمتر از ده روز اول به قله اشترانکوه و سپس به قله دماوند صعود کردند. خسته نباشید.

➕ همیشه از این می نالیم که چرا فرزندانمان به بزهکاری و کارهای خلاف رو می آورند و همیشه از این کار منعشان می کنیم. ولی آیا شده بجای گفتن اینکار رو نکن گفته باشیم « بیا این کار رو انجام بده» یا مثلا « برو فلان کلاس ورزشی یا هنری ». یکی از کارهای خوبی که دهیاری در این زمینه انجام داده ایجاد فضاهای ورزشی کوچک همچون تیس روی میز، فوتبالدستی و است که خوشبختانه استقبال خوبی هم از سوی جوانان و نوجوانان شده. جا دارد یک نشان مثبت به خاطر این کار به دهیاری داده شود.

قهرمانی فاضل اتراجالی در مسابقات لیگ ستارگان کبدی جهان

شهرهای دهلی، بنگلور، حیدرآباد، پونا، پاتنا، کلکته، جیپور و بمبئی هند برگزار گردید. این موفقیت را به ایشان تبریک و برای وی آرزوی موفقیت داریم.

فاضل اتراجالی ملی پوش کبدی کار محمدآباد که در مسابقات لیگ ستارگان شرکت کرده بود توانست به همراه تیم بمبئی به مقام قهرمانی این مسابقات دست یابد. این مسابقات از تاریخ ۹۴/۳/۲۶ الی ۹۴/۶/۳ در

گَرته برداری در زبان فارسی

مثال دوم عبارت (کارواش) که خودش علاوه بر این که یک عبارت انگلیسی است از دو بخش هم تشکیل شده: (ماشین = car) و (شستن = wash) که معادل این کلمه ماشین شویی است و اگر ما بخواهیم از آن در فارسی استفاده کنیم، البته بهتره استفاده نشه ولی اگر شد معنایش کامله و نباید بگیم (اتو کارواش) چون اتو یعنی ماشین پس اگر یکم به معنیش دقت کنیم متوجه میشیم که اشتباهه. اتو کارواش در صورتی معنی داره که کارواش اتوماتیک باشه یعنی ماشین رو دستگاه بشوره نه آدم.

مثال بارز سوم (کامپیوتر) که معادل این کلمه در فارسی یعنی (رایانه) پس خدمات کامپیوتری اشتباهه و بهتره بگیم خدمات رایانه ای یا بهتر از این (مرکز رایانه ای) و پیشنهاد من به دوستانی که از اصطلاح خدمات کامپیوتری استفاده میکنن اینه که یکم تغییر در تابلو مغازه ایجاد کنن.

از دیگر مثال ها میشه به دوش گرفتن به جای حمام کردن و بازار سیاه اشاره کرد. این گزارش فقط جنبه آموزشی دارد تا کمی بیشتر به زبانی که به کار می بریم دقت کنیم.

حسان حمزه محمدآبادی

شاید تا حالا اسم گرتِه برداری رو شنیده باشید یا شاید نه و الان دارین میگی گرتِه برداری چیه ؟ گرتِه برداری یعنی یک عبارت در زبان خارجی یک معنی دارد و ما اون عبارت رو به همون شکل در زبان فارسی استفاده میکنیم. یا بهتر بگم به اصطلاح ادبی نوعی وام گیری زبانی که در ان از صورت یا اصطلاح های زبان دیگر استفاده بشه! گرتِه برداری شامل چند بخشه: زبانی، معنایی، از اصطلاح ها و ترکیب ها، نحوی.

از اونجایی که ما نمیخواهیم گرتِه برداری رو به صورت تخصصی توضیح بدیم فقط با چند مثال در گزارش بیانش می کنیم و به گزارش پایان میدیم. زبان فارسی تا دلتان بخواد از این عبارات داره (از عربی گرفته تا انگلیسی و فرانسه و آلمانی و ...).

از عبارت هایی که کاربرد زیادی داره اینه که به کسی بگیم (من روی شما حساب میکنم) این جمله از عبارت انگلیسی (count on somebody) گرفته شده و این عبارت در صورتی معنی داره که گوینده روی پشت یا دوش مخاطبش سوار شده باشه یا مربوط به معادله جمع و تفریق ریاضی باشه اما منظور گوینده به حتم اینه که (من به امید شما هستم یا روی حمایت شما حساب میکنم).

از گوشه و کنار

قو طی های سم

جدای اینکه سموم شیمیایی چه تاثیری بر آدمی و محیط زیست داره میخوایم به نکته دیگری درباره آن ها اشاره کنیم. بارها مشاهده شده که متاسفانه کشاورزانی که اقدام به سمپاشی مزارع خود می کنند ظروف سم (چه قو طی و چه نایلون) را همانجا در طبیعت رها می کنند. که تجزیه آن ها در طبیعت ۷۰۰ سال طول می کشد. یعنی ظرفی که ما الان در طبیعت رها می کنیم ۷ قرن بعد تجزیه شده و دوباره به خاک بر می گردد. اگر فرض کنیم که به طور متوسط سن افراد در زمان بچه دار شدن ۳۰ سال باشد به عبارت دیگر زمان لازم برای تغییر نسل را ۳۰ سال در نظر بگیریم، با رها کردن ۱ قو طی پلاستیکی در طبیعت میراثی برای ۷ نسل (۱- بچه ۲- نوه ۳- نتیجه ۴- نپیره ۵- ندیده ۶- بچه ندیده ۷- نوه ندیده) به جا گذاشته ایم!!

مدت زمان تجزیه مواد مختلف در طبیعت به قرار زیر است:

قو طی های کنسرو ۹۰ سال
پلاستیک ۷۰۰ سال
آلومینیوم ۴۹۵ سال
شیشه ۱۰۰۰۰۰۰ سال

پس لطفاً بیایید با طبیعت (شما بخوانید با خودمان) مهربان تر باشیم و زباله هایمان را در طبیعت رها نکنیم.

اسراف نکنیم

یکم بیشتر بگیریم که یک موقع کم نیاد. احتمالاً همه ما این جمله را یا بکار برده ایم و یا شنیدیم. که موقع مهمانی دادن، خرید کردن و بسیاری جاهای دیگر استفاده می کنیم. نتیجه ی این جمله در بیشتر مواقع منجر به اسراف و حیف و میل می شود. البته احترام و تکریم مهمان واجب است که در همه جا به آن سفارش شده ولی متاسفانه تکریم ما در مهمانی ها معمولاً منجر به اسراف می شود. در نکوهش اسراف بسیار گفته اند و بسیار شنیده ایم ولی متاسفانه کمتر عمل کردیم. اسراف در خوردن، در خرید کردن، در تعاملات روزمره، در کار کردن، در تفریح کردن و

تقریباً در همه ی زمینه ها می شود اسراف را دید که نتیجه ی آن چیزی جز حیف و میل اموال و ثروت نیست.

نمونه ی دیگر اینگونه اسراف ها را در جنگل رفتن های تفریحی فامیلی می بینیم که همه

اردوی کره جنوبی

با خبر شدیم که محمدتقی شعبانی - سرمربی - هادی حاجیلری و حسین مازندرانی - بازیکن - به همراه تیم کبدی زابل جهت برپایی اردو و برگزاری مسابقات تدارکاتی سفری به کره جنوبی داشتند.

سرمربی تیم کبدی گلستان

غلامرضا -امیر- مازندرانی بعنوان سرمربی تیم کبدی گلستان انتخاب گردید. مازندرانی سابقه چندین دوره مربیگری تیم ملی را در کارنامه خود دارد. و همچنین در سال ۸۸ توانست با تیم ایشار محمداباد به قهرمانی لیگ برتر کبدی دست یابد.



کسب مقام قهرمانی در مسابقات نین جوتسو

رزمی کاران باشگاه شهدای محمداباد در قالب تیم نین جوتسو استان در مسابقات کشوری موفق به کسب مقام شدند. در این مسابقات که شهریور ماه در کرج برگزار شد، حسن آذریان موفق به کسب مدال طلا، محمد حسین گلوی و محمد امین سعادت مدال نقره، محمد جهان تیغ مدال برنز کسب کردند. همچنین امید پاور بخش موفق به یک مدال طلا در دفاع شخصی و یک نقره در رده سنی نوجوانان گردید.

خانواده ها بیش از مصرفشان مواد خوراکی می گیرند و در آخر معمولاً قسمت زیادی از آن را دور می ریزند.

در پایان با یک بیت شعر حرفمان را به اتمام می رسانیم.

اندازه نگه دار که اندازه نکوست
هم لایق دشمن است و هم لایق دوست

شب های بی ورزش ماه رمضان

ماه رمضان امسال یکی از بی رمق ترین ماه رمضان های سالهای اخیر در زمینه ورزش بود. هر ساله از قبل از ماه رمضان تدارک مسابقات ورزشی دیده می شد و حداقل ترین آن مسابقات داخلی در ورزشهای والیبال و فوتسال بود. امسال هر چند دیر اما بالاخره اطلاعیه ای از سوی شورای ورزشی و دهیاری جهت ثبت نام مسابقات فوتسال و والیبال در سطح روستا نصب شد ولی گویا ورزشکاران هم چندان رغبتی برای مسابقات نشان ندادند و طبق آمارهای ما تعداد کم ثبت نام کنندگان مسئولین برگزاری مسابقات را از ادامه کار منصرف کرد. حال علت آن هر چه بوده بر ما معلوم نیست.

سد معبر

سد معبر یکی از معضلات شهرها و جوامع امروزی است. بارها دیده شده که هم محلی های عزیز وسایل کشاورزی خود (از قبیل تراکتور، تریلی، دیسک، گاو آهن و) را در حاشیه خیابان اصلی پارک و رها می کنند. همچنین عده از مغازه دارهای عزیز وسایلشان رو داخل پیاده رو قرار میدن که باعث مشکلات عبور و مرور برای بقیه میشه و در این مورد خیلی به نشریه گزارش دادن و درخواست نوشتن مطلب داشتن.

فنس کشی جاده فرودگاه

چند وقتی است که فرودگاه اقدام به فنس کشی جاده منتهی به فرودگاه کرده است که تا کنون بخشهایی از جاده فنس کشی شده است. با توجه به اینکه احداث این جاده با واگذاری زمینهای کشاورزی اهالی روستای محمداباد صورت گرفته و جاده مزبور از وسط زمینهای کشاورزی عبور می کند لذا این اقدام عبور و مرور کشاورزان را با مشکل مواجه می کند. از شورای اسلامی تقاضا داریم بعنوان نماینده حقوقی مردم این اقدام را پیگیری کرده و از حقوق مردم روستا دفاع نماید.

نهضت علمی امام صادق علیه السلام (ع)

«» سید ابوطالب حسینی *

در دوره امام
صادق علیه السلام،
شیعیان و طرفداران
امام با نوعی
پیوستگی فکری و
عملی، تشکیلاتی
را به وجود آورده
بودند و امام صادق
علیه السلام نیز با
خلفا مبارزه مخفی
می کرد.



شیخ مفید اشاره
دارد که بر اساس
آنچه اصحاب
حدیث احصا
کرده اند، شمار
شاگردان حضرت
بالغ بر ۴ هزار نفر
بوده است.

جعفر، سعید بن سفیان اسلمی، عبدالعزیز بن عمران زهری، عبدالعزیز بن محمد دراوردی و عبدالله بن عمر عمری؛ از مکه ابن جریج، سفیان بن عیینه، عبدالله بن میمون قدام و مسلم بن خالد زنجی؛ از کوفه ابوحنیفه، سفیان ثوری، شعبه بن حجاج، حفص بن غیاث نخعی، حسن بن صالح بن حی، حسن بن عیاش، ابان بن تغلب، معاویه بن عمار، زید بن حسن انماطی و محمد بن میمون زعفرانی؛ از بصره عبدالوهاب بن عبدالمجید ثقفی، وهیب بن خالد باهلی، عثمان بن فرقد عطار، محمد بن ثابت بنانی، ابو عاصم ضحاک بن مخلد نبیل، روح بن قاسم عنبری و عبدالعزیز بن مختار دباغ؛ و از خراسان ابراهیم بن طهمان و زهیر بن محمد تمیمی. در منابع امامیه نیز طیف وسیعی از رجال به عنوان اصحاب حضرت معرفی شده اند که فهرستی از آنان در کتب رجالی همچون «الرجال» منسوب به برقی (ص ۱۶-۴۷) و الرجال شیخ طوسی (ص ۱۵۵) به دست داده شده، و افزون بر آن، به دانش اندوزی آنان نزد حضرت، به طور پراکنده در کتب دیگر رجالی مانند معرفة الرجال کشی، فهرست شیخ طوسی و رجال نجاشی پرداخته شده است. در این باره باید به نوشته هایی از ابوالعباس ابن عقده، احمد بن علی سیرافی، ابویعلی حمزه بن قاسم علوی، حمید بن زیاد نینوی و نیز عالم اهل سنت، ابوزرع

پیروان مذاهب و فرق مختلف در آن به سختی امکان پذیر بود. گستره دانش حضرت از یک سو، و سعه صدر وی در تعامل با مذاهب گوناگون از سوی دیگر موجب شده بود تا طیف وسیعی از عالمان به عنوان طالب دانش جعفری به گرد آن حضرت در آیند. در فهرستی که ابوالعباس ابن عقده همدانی (د ۳۳۲/۹۴۴م) از شاگردان حضرت گرد آورده بود و توسط هارون بن موسی تلعبیری تکمیل شد، شاگردان پرشمار با تنوع مذهبی و جغرافیایی فراوان دیده می شوند. شاگردانی از خواص امامیه گرفته تا طیفهای متنوع عامه، از متکلم و فقیه گرفته تا مقلد و محدث بر گرد حضرت دیده می شدند و از اقصی نقاط ماوراء النهر تا مغرب در شمار شاگردان او حضور داشتند. به نظر می رسد آنچه در بخش رجال امام صادق (ع) از کتاب الرجال شیخ طوسی در دسترس قرار گرفته، صورتی تکمیل شده از فهرست ابن عقده - تلعبیری بوده است. به هر روی شیخ مفید اشاره دارد که بر اساس آنچه اصحاب حدیث احصا کرده اند، شمار شاگردان حضرت بالغ بر ۴ هزار نفر بوده است.

در شمار راویان و شاگردان نامبردار در منابع اهل سنت می توان اینان را برشمرد: از مدینه مالک بن انس، ابوضمره مدنی، حاتم بن اسماعیل حارثی، سلیمان بن بلال تیمی، محمد بن اسحاق بن یسار، اسماعیل بن

از سال ۱۲۹ هجری تا ۱۳۲ هجری که عباسیان روی کار آمدند؛ چون بنی امیه رو به ضعف و سقوط می رفتند، فرصت این که امام را تحت فشار قرار دهند، نداشتند و از طرفی عباسیان نیز که شعار طرفداری از خاندان پاک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و گرفتن انتقام خون به ناحق ریخته آنان را می دادند، به امام فشاری وارد نمی آوردند. از این رو، این دوران، برای امام دوران آرامش و آزادی بود و فرصت بسیار خوبی برای فعالیت های علمی و فرهنگی به شمار می رفت، فرصتی که برای هیچ یک از امامان دیگر به غیر از امام باقر علیه السلام که اندکی از این فرصت برای ایشان به وجود آمد و فعالیت علمی را شروع کرده بود. و هم چنین برای امام رضا علیه السلام فراهم نگشت. ولی امام صادق علیه السلام هم عمر طولانی (حدود ۷۰ سال) داشتند و هم محیط و زمان برای ایشان مساعد بود.

امام با استفاده از این فرصت نهضت علمی و فرهنگی بزرگی را شروع نمودند و پایه های علمی مکتب شیعه را محکم کردند.

به اتفاق منابع، حضرت در طول زندگی خود در مدینه زیست و تنها به قصد حج یا بنا به الزامات سیاسی، سفرهایی کوتاه به مکه و عراق داشت. وی در مدینه که اصلی ترین مرکز نشر سنت نبوی در آن عصر بود، مجلس پررونقی داشت که جدا ساختن

رازی اشاره کرد که در معرفی شاگردان و راویان حضرت نوشته شده‌اند و مضامین آنها امروز تنها از خلال مجامیع رجالی چون رجال طوسی قابل دسترسی است.

امام در رشته‌های مختلف، شاگردان بزرگی همچون «هشام بن حکم کندی»، «محمد بن مسلم»، «ایان بن تغلب»، «هشام بن سالم»، «معلی بن خنیس»، «محمد بن علی بن نعمان بجلی کوفی» معروف به «مؤمن الطاق»، «مفضل بن عمر»، «ثابت بن دینار» معروف به «ابو حمزه ثمالی»، «زراره بن اعین»، «جابر بن یزید جعفری کوفی»، «صفوان بن مهران جمال اسدی کوفی» معروف به «صفوان جمال»، «عبدالله بن ابی یعفور»، «حمران بن اعین شیبانی»، «حمزه طیار»، «برید بن معاویه عجلی»، و... تربیت نمود.

در میان اصحاب حضرت، ۱۲ تن به عنوان فقهای اصحاب وی و به اصطلاح رجالیان شیعه، به عنوان «اصحاب اجماع» شناخته

شده‌اند که فقاها و وثاقت آنان مورد تأکید امامیه بوده، و از دیدگاه امامیه، آنان معتبرترین مروجان تعالیم حضرت محسوب بوده‌اند.

در دوره امام صادق علیه‌السلام، شیعیان و طرفداران امام با نوعی پیوستگی فکری و عملی، تشکیلاتی را به وجود آورده بودند و امام صادق علیه‌السلام نیز با خلفا مبارزه مخفی می‌کرد. نوعی جنگ سرد در میان بود. معایب، مثالب و مظالم خلفای جور به وسیله امام در دنیا پخش شد. حتی امام به منظور تبلیغ ولایت و امامت خود، نمایندگانی به مناطق مختلف از جمله خراسان می‌فرستاد.

فشار گسترده سیاسی حکام اموی و عباسی گویای این حقیقت است که یاران امام به خاطر مصون ماندن از گزند حکام زورگو، «تقیه» می‌کردند. تأکیدهای مکرر امام بر «تقیه» نشان دهنده فعال بودن این تشکیلات

به طور مخفی و تصمیم جدی حکومت بر سرکوب کردن حرکت‌ها است. برخی از روایت‌های موجود نشان می‌دهد که شیعیان به شدت تحت فشار بودند و از ترس شمشیر برهنه منصور، راه تقیه را در پیش گرفتند.

جاسوسان اموی و عباسی، مراقب رفت و آمدهای امام و اصحابشان بودند. اگر کسی تماسی برقرار می‌کرد، با کمال احتیاط این عمل را به انجام می‌رساند. زیرا دستگاه خلافت اگر فردی را می‌شناخت که به اهل بیت علیهم‌السلام اظهار محبت می‌کند، سرنوشت او با مرگ یا سیاه‌چال و زندان ابد، رقم می‌خورد. چنان که یکی از اطرافیان امام زیر شلاق جان سپرد.

* کارشناس مذهبی

مراسم تجلیل از جانبازان و ایثارگران



به مناسبت گرامیداشت روز جانباز و با همکاری پایگاه بسیج، دهیاری و شورای اسلامی و کانون فرهنگی شهید مکتبی مراسمی در تاریخ ۹۴/۲/۳۱ مصادف با میلاد حضرت ابوالفضل العباس (ع) در مسجد جامع محمدآباد برگزار شد. این مراسم که با حضور پر شور مردم روستا همراه بود، مولودی خوانی، خاطره گویی حاج قربان حمزه ای - از رزمندگان و جانبازان دفاع مقدس - از برنامه‌های این مراسم بود. در پایان به چند تن از جانبازان هدیه و لوحی به یاد بود اهداء گردید.

برگزاری طرح هسته‌های فرهنگی مساجد

همکاری کانون فرهنگی شهید مکتبی نشریه ای هم چاپ نمود که مورد استفاده قرار گیرد. امید است با تلاش همه ی تلاشگران در عرصه فرهنگی و مذهبی جامعه، شاهد رشد و تعالی همه آحاد مردم و گسترش فرهنگ دینی و مذهبی باشیم.



مساجد به عنوان مهمترین پایگاه‌های مذهبی نقش بسیار مهمی در فرهنگ دینی جامعه دارد، لذا سعی شده این پایگاه دینی مذهبی مورد غفلت قرار نگیرد. جهت پر نمودن اوقات فراغت جوانان و نوجوانان طرح‌هایی مختلفی از طرف پایگاه بسیج در قالب طرح حلقه‌های صالحین و از

ناحیه کانون فرهنگی مسجد جامع که توسط امام جماعت در قالب طرح هسته‌های فرهنگی را که سازمان تبلیغات برگزار می‌نماید هدایت می‌گردد. در این طرح جوانان متدین روستا با

برگزاری مراسم اعتکاف برای اولین بار در روستا

مراسم معنوی اعتکاف برای اولین بار در روستای محمدآباد برگزار شد. در این مراسم که همزمان با ولادت حضرت علی (ع) بود از تاریخ ۹۴/۲/۱۲ الی ۹۴/۲/۱۴ تعداد ۳۵ نفر از برادران در مسجد جامع و تعداد ۵۵ نفر از خواهران در مسجدالمهدی (عج) شرکت نمودند. این مراسم با همت هیأت امناء مسجد، شورای اسلامی، دهیاری و پایگاه بسیج محمد رسول الله برگزار گردید.

خاطره ای از سید مجید حسینی؛ جانباز دفاع مقدس

جیب قمقمه ام دگمه نداشت

«تنظیم: محمد علیپور محمدآبادی»

بازگویی خاطرات دوران دفاع مقدس. از میان آن خاطرات یکی را برای خوانندگان عزیز آماده کرده ایم که امیدواریم مورد توجه قرار بگیرد.

در یکی از روزهای خرداد ماه به همراه بچه های تحریریه نشریه ناور مهمان سید مجید حسینی بودیم تا هم از ایشان احوالپرسی کرده باشیم و هم در مورد دوران دفاع مقدس گفتگویی داشته باشیم. این دیدار تقریباً محفلی شد برای

ساعت ۱۱ شب بود که شهید مهرباب به ما دستور حرکت داد وقتی از خاکریز خودمان رد شدیم، کنار یک سنگر تانک بود که علیرضا هزارجریبی با یک گلوله مستقیم به شهادت رسید؛ سکوت عجیبی بچه ها را گرفت که شهید مهرباب به بچه ها گفت حرکت کنید، نوبت ما هم می شود و بعد از طی مسافتی به میدان مین دشمن رسیدیم که منورها منطقه را مثل روز روشن می کرد و مجبور بودیم حرکت نکنیم، هنگام عبور از میدان مین چندتا از بچه ها روی مین رفتند! از جواد مازندرانی، هاشم ملاعباسی و عبدالرسول قرار شد که هاشم را بیاورد عقب و حاج قلی، جواد را. دیگر بعد از آن بنده این دوستان را ندیدم، دیگر دشمن کاملاً متوجه شده و میدان مین را زیر آتش سنگین قرار داده بود از سلاح های سنگین استفاده می کرد. بچه ها یکی پس از دیگر شهید یا مجروح می شدند؛ شهدایی چون شیخ اسماعیل - محمودرضایی - نیا - علی اکبر رمضانپور و بنده و اسماعیل مکتبی و ذکریا صادقی نزدیک هم بودیم و شهید مهرباب هم کنار ما بود که دستور داد بچه ها همینطور درازکش باشید و با فاصله پنج متر حرکت کنید بادم میاد ازینکه اسماعیل حرکت کرد من هم با فاصله خواستم ازجا بلند شوم که خمپاره امان نداد، با همان خمپاره بود که مهرباب هم با سه بار «یا حسین» گفتن شهید شد و من هم مجروح شدم. حاج ذکریا نزدیک من بود و آنقدر صدای گلوله زیاد بود که صدای مرا نمی شنید. به هر حال هرجوری بود، بهش فهماندم که مجروح

پناه درست کند؛ آن روز من و اسماعیل مکتبی کنارهم بودیم، آنقدر آتش دشمن شدید بود که هر لحظه از هم دیگه می پرسیدیم سالمی یا نه؟ به

**خودم را بردم به سمت
بولدوزر و راننده را متوجه کردم
که مجروح هستم و ایستاد مرا سوار
کرد و به سنگر پست امداد خط اول رساند
و پیاده شدم رفتم کنار سنگر نشستم،
احساس کردم که کسی به من می گوید برو
داخل سنگر و من رفتم داخل سنگر، به
محض اینکه داخل سنگر شدم، جای
من خمپاره خورد؛ هر لحظه لطف
خدا رو می دیدم.**

هر حال

پشت همان خاکریز با لباس و پوتین نماز خواندیم و بعد از صرف مختصر شامی

در سال ۱۳۶۵ در تاریخ ۱۱/۲۱ در قالب سپاه مهدی (عج) به جبهه های نبرد اعزام شدیم بنده به همراه شهید عبدالرسول و دیگر دوستان محمدآبادی به منطقه هفت تپه اعزام شدیم آنجا بعد از سازماندهی به گردان پیروز مسلم ابن عقیل رفتیم. در آنجا چند وقتی مشغول آموزش و آمادگی بود که مسئولین گردان آن وقت برادران اکبر نژاد، حاج عیسی اترچالی و حاج تقی ایزد بودند. ما بعد از حدود بیست روز عازم خط شلمچه جهت اجرای مرحله دوم کربلای پنج بودیم. شب را در دژ خط سوم استراحت کردیم ولی نیمه شب ما را حرکت دادن به سمت خط دوم که انجام آتش توپخانه و خمپاره دشمن دقیقاً آنجا را می کوبید آنجا ماندیم و استراحت کردیم. تا زمانی که ساعت ۴/۵ بعد از ظهر به ما گفتند آماده حرکت شوید. خاطره بنده از اینجا شروع می شود که بنده خواستم قمقمه آب را پر کنم دیدم یک طرف جیب قمقمه من دکمه ندارد و بر هر تقدیر قمقمه را آب کردم و داخل جیب قمقمه ای یک طرف آن دکمه نداشت، گذاشتم ساعت

۵ عصر سوار ماشین شدیم و حرکت کردیم در بین راه جایی که خیلی گلوله می آمد و ماشین با سرعت رد می شد، جیب قمقمه من باز شد و قمقمه ام افتاد و ما به راه خودمان ادامه داریم و رفتیم نزدیکای خط مقدم، پیاده شدیم و با وجود اینکه دشمن خیلی آتش می ریخت، خودمان را به خاکریز خط مقدم رساندیم و هرکس جایی مستقر شد و به ما گفتن هر جوری که هست برای خودش جان



ایستاده از راست: یحیی ناصری، شهید عبدالرسول جعفرآبادی، مرحوم احمد اترچالی
نشسته: سید مجید حسینی



زنده اند و از حال رفتن تا فردا ساعت ۱۰ صبح در بیمارستان اهواز که چشم باز کردم واقعا تحمل تشنگی را نداشتم. بدون اجازه بصورت چهارچنگی رفتن شیراب را باز کردم و آب خوردم و آمدم روی تخت دراز کشیدم که خون ریزی شدید شروع شد و پرستارها آمدند از من گلایه کردند که چرا آب خوردی و به سختی خون را بند آوردند. و آنجا حکمت دگمه نداشتن جیب قمقمه ام را فهمیدم.

دیگر لپهایم خشک شده بود بی حال شده بودم یک صدای بولدوزر آمد، خودم را بردم به سمت بولدوزر و راننده را متوجه کردم که مجروح هستم و ایستاد مرا سوار کرد و به سنگر پست امداد خط اول رساند و پیاده شدم رفتم کنار سنگر نشستم، احساس کردم که کسی به من می گوید برو داخل سنگر و من رفتم داخل سنگر، به محض اینکه داخل سنگر شدم، جای من خمپاره خورد؛ هر لحظه لطف خدا رو می دیدم.

نفر بر حمل مجروح آمد و سوار شدیم حدود چند نفر از دوستان هم، مجروح داخل آن بودند. خمپاره چپ و راست می آمد، گلوله مستقیم تانک می آمد ولی به نفربر اثابت نمی کرد. دیگر بی حالی و تشنگی داشت مرا از پای در می آورد که رسیدیم به پست امداد خط اول که آنجا ما را باندپچی کردند و سریع انتقال دادند بیمارستان صحرایی که آنجا سرم وصل کردند و سوار اتوبوسها بی صندلی شدم، که داشتم از حال می رفتم که حاج قلی و عباس مازندرانی را داخل اتوبوس دیدم گفت خدا را شکر پس این دو نفر هم

شدم. حاج ذکریا گفت: سید کوله رو بنداز و خودت برو، اگر نری میمانی که من همینکارو کردم و لنگ لنگان می آمدم که به سیم خاردار گیر کردم، کسی حاضر نبود به من کمک کنه تا اینکه حسن حسنی که او هم مجروح است و الان راننده تاکسی است از راه رسید؛ گفتم حسن کمکم کن، گفت باشه از سیم خاردار خارج می کنم و می روم و اینکارو کرد و رفت از میدان مین خارج شد و من همینطور خودم رو کشیدم، سر و صورتم سیاه شده بود، توی چشمم لک خون بود، پوتینم پر خون بود، دیگه داشتیم بیحال می شدم، تشنگی امان مرا بریده بود و آب هم نداشتم. همانطور که می آمدم چشمم به ماشین های سوخته عراقی افتاد که از قبل آنجا مانده بود و مطمئن شدیم، دیگر به خاکریز خودمان رسیدیم که به صورت چهارچنگولی از خاکریز بالا رفتم و خودم را پرت کردم آن طرف خاکریز و به راه خودم ادامه دادم تا اینکه به چاله بزرگ رسیدم و خواب عجیبی مرا گرفته بود، میخواستم آنجا بخوابم که کسی از آنجا رد شد و گفت اینجا نخواب شهید می شوی.



گرامیداشت هفته دفاع مقدس

دوستی با خدا دعوت کرد و شناخت راه و روش رزمندگان و شهدا را یادآور شد. در پایان مراسم از چندین نفر از رزمندگان و دو نفر از بانوان بسیجی تقدیر بعمل آمد. حسنقلی حمزه ای، ولی شعبانی، ذکریا صادقی، مالک مازندرانی، صادق ناصری، لیلا حاجیلری و بنی محمدی کریم آبادی تقدیر شدگان این مراسم بودند. همچنین از تاریخ ۴ الی ۶ مهر نمایشگاهی در همین خصوص در حیاط مسجد جامع برپا گشت. و مسابقات ورزشی تنیس روی میز و دارت از دیگر برنامه های گرامیداشت هفته دفاع مقدس بود.

در تاریخ ششم مهرماه ۹۴ همزمان با هفته دفاع مقدس مراسم باشکوهی در مسجد جامع روستا برگزار شد. این مراسم با همت ستاد برگزاری هفته دفاع مقدس - کانون فرهنگی شهید مکتبی، شورای اسلامی، پایگاه بسیج و دهیاری - به انجام رسید. آیین اختتامیه این مراسم با خاطره گویی سید مصطفی حسینی و مالک مازندرانی (از اولین رزمندگان روستای محمدآباد) همراه بود و بعد از پخش کلیپی مرتبط با دفاع مقدس مراسم با سخنرانی حاج صادق روشنی از جانبازان و یادگاران دفاع مقدس ادامه پیدا کرد که ایشان اجمالا همه را به سوی



حاج صادق روشنی حال سخنرانی برای حضار

سید مصطفی حسینی و مالک مازندرانی با ذکر خاطراتی از جبهه ها یاد آن دوران و همزمانشان را گرامی داشتند.



یک دهیار، یک محمدآباد

«صادق ناصری محمدآبادی، محسن حمزه ای، حسان حمزه محمدآبادی»

روستا بود که عناوین قهرمانی بسیاری را اعضای این رشته کسب نموده بودند که این امر نیز با تلاش رزمی کاران و مدیریت شایسته ایشان در این رشته بوده که یکی از دلایل انتخاب ایشان به عنوان دهیار نیز همین امر بود.

ما در این گزارش انتخاب محمد رمضانپور و عملکرد ایشان از نظر اهالی محترم می گذرانیم. آیا توانست اثبات کند یک جوان در کار اجرایی قابل اعتماد است.

آیا برای محمدآباد و رسیدن به آبادانی روستا وقت کافی می گذارد. اصلاً چند ساعت از شبانه روز خود را صرف امور روستا می کند.

تا الان چه کار کرده است؟ برنامه های آینده او کدام است؟ جایگاه او در میان دهیاران استان گلستان در چه مرتبه ای قرار گرفته است.

اسلامی، چند نفر به عنوان کاندیدا در نظر گرفته شدند که از بین آنها آقای محمد رمضانپور به عنوان دهیار انتخاب گردید و ذکر این نکته ضروری است که ایشان با توجه به اینکه تازه خدمت مقدس سربازی را به اتمام رسانیده بود و جهت تصدی پست دهیاری بسیار جوان و بی تجربه در امور اجرایی بودند، با مخالفت هایی هم از بعضی جوانب روبرو بود که شورای اسلامی وقت توانست با ذکر استدلالهای منطقی، صلاحیت و توان ایشان را ثابت کند که گذر زمان و عملکرد ایشان هم این مهم را دو چندان کرد که هم اکنون یکی از بهترین و کارآمدترین دهیاران در سطح شهرستان و استان می باشد. لازم به ذکر است که قبل از خدمت مقدس سربازی وی مدتی را با توجه به سن کم بعنوان سرپرست رشته ورزشی جودو در

«در زمانی که به عنوان دهیار انتخاب شدم به عنوان کم سن و سال ترین دهیار استان گلستان بودم و برای مردم محمدآباد هم سوال بود و خیلی ها انتقاد می کردند و حتی توی چشمم نگاه کردند و گفتند، روستا را دادند دست یک بچه» این اولین جمله ی دهیار در گفتگو با ما بود. محمد رمضانپور در ۲۱ سالگی متصدی دهیاری روستا شد. پهلوان و قهرمان جودو، او که پیش از دهیاری سرپرست رشته ی ورزشی جودو بود. از آقای رمضانعلی حمزه ای رییس شورای وقت ۱۳۸۷ پرسیدیم چه طور به این نتیجه رسیدید، محمد رمضانپور برای تصدی این مهم قابل اعتماد است.

رمضانعلی حمزه ای: در سال ۱۳۸۷ با توجه به ضرورت انتخاب دهیار جدید از طرف شورای

شروع کار و اولویت های کاری

مکاتبات، تسریع در صدور پروانه ها و ... کمک حال دهیاری باشد که خدا رو شکر این اتفاق افتاد و الان دهیاری یک بایگانی کامل دارد و یک منشی در تمام روزهای هفته صبح ها پاسخگوی ارباب رجوع محترم است.

از همان اول با مشورت با شورای اسلامی و صحبت با مردم روستا کارهایی را که باید در روستا انجام می شد را اهم و مهم کردم تا هر کاری به موقع و در شان این روستا است انجام شود ولی خیلی از مواقع کارهای اضطراری و اتفاقات غیر قابل پیش بینی برنامه هایمان را تغییر می داد که مجبور می شدیم ابتدا به کارهای اورژانسی پردازیم و سپس ادامه برنامه ها را دنبال کنیم.

خدا رو شکر محمدآباد همیشه از نظر داشتن امکانات رفاهی در رسیدن به استانداردهای اولیه یک زندگی و جامعه در حال پیشرفت در بین روستاهای منطقه پیشرو بوده. بحث آب، برق، تلفن، جدول کشی، فاضلاب کوجه ها و خیابان ها، گازرسانی، جمع آوری زباله، اجرای طرح هادی روستایی و تعریض و آسفالت خیابان ها، صدور سند برای خانه های روستایی و کتابخانه و ... را که مشاهده کنید همیشه جزو اولین ها بودیم. و خوشبختانه مردمی داریم که دارای مطالبات حقه ای برای یک روستای بهتر و زیباتر و با امکانات تر هستند.

محمد رمضانپور فرزند علی متولد ۱۳۶۶، متاهل و دارای یک فرزند

تازه از خدمت برگشته بودم که دیدم شورا برای جذب دهیار جدید اطلاعیه نصب کرده و من هم فکر کردم و رفتم ثبت نام کردم و از بین متقاضیان که چند نفر بیشتر نبودند به عنوان دهیار روستای محمدآباد انتخاب شدم و کارم را در روز ۲۲ خرداد ۱۳۸۷ شروع کردم. اولی که وارد دهیاری شدم وضعیت دفتر و بایگانی اسناد اصلاً خوب نبود. شاید بهتر است بگویم بایگانی نداشتیم و کار دهیاری و تعداد ارباب رجوع، سرکشی به گوشه کنار روستا و پیگیری کارهای اداری دهیاری در گرگان آنقدر زیاد بود که انجام تمام آنها فقط برای یک نفر در دفتر دهیاری عملاً امکان پذیر نبود و من نمی توانستم در یک لحظه هم داخل دفتر باشم و هم برای پیگیری کارها داخل روستا، بخشداری یا فرمانداری باشم. و از طرفی اگر درب دفتر را می بستیم ارباب رجوع سرگردان و معطل می شد و اگر یکسره در دفتر بودی کار راینی با ادارات و جذب اعتبار و ... معطل می ماند و روستا لطمه می خورد. بنابراین درخواست کردم که یک نفر از اهالی به عنوان منشی دهیاری جذب شود تا بتواند دفتر را در مواقعی که خودم نیستم باز کند و پاسخگوی اهالی محترم باشد و هم در کار بایگانی اسناد و مدارک، انجام امورات اداری و



پیشینه

ورزشی

دهیار



محمد رمضانپور از سال ۱۳۷۸ ورزش جودو را شروع کرده و در طی سالهای مختلف هم به قهرمانی های زیادی نائل آمده و زمانی هم مسئولیت باشگاه جودوی محمدآباد را بر عهده داشت. مقام های کسب شده توسط وی در طول دوران فعالیت

۲ - دوره قهرمانی در مسابقات قهرمانی دانش آموزی استان

۱ - مقام سوم مشترک مسابقات کشوری

- چندین دوره قهرمانی مسابقات شهرستان گرگان

ایشان ۴ سال نیز سرپرست باشگاه جودوی محمدآباد بود. و دارای

- کمر بند دان ۲ جودو

- کمر بند رزمی مشکی دان یک سامبو

- مدرک مربیگری درجه ۳ سامبو

۷ - دوره قهرمانی در مسابقات استان در رده نوجوانان ، جوانان و بزرگسالان

بوستان محلی

ساختمان دهیاری

یکی دیگر از مشکلات روستا نداشتن یک ساختمان ملکی و دائمی برای دهیاری و شورای اسلامی روستا بود. ابتدای کار دفتر دهیاری در محل ساختمان های کانون فرهنگی بود بعد با رایزنی های انجام شده ساختمان بهزیستی روستا بواسطه مجمع خیرین از بهزیستی استان اجاره شد با توجه به وسعت ساختمان جوابگوی نیازهای روستا بود ولی باز هم همان مشکل عدم مالکیت پابرجا بود بنابراین بفکر افتادیم که باید یک ساختمان در شأن روستای محمدآباد در بهترین مکان و موقعیت که هم مردم راحت رفت و آمد بکنند و هم برای غیر محمدآبادیها هم به راحتی در دسترس باشد داشته باشیم و موقعیت فعلی ساختمان دهیاری مورد قبول قرار گرفت. کاربری زمین غیر اداری بود که با مشکلات زیاد و با کمک شورا توانستیم ۳۵۰ متر زمین را برای ساخت و ساز بگیریم و کارهای اداری آن را انجام بدهیم. به هر حال کار ساختمان را در سال ۹۰ شروع کردیم که در مجموع ۹۶ میلیون تومان هزینه در بر داشت که ۷۶ میلیون تومان آن از محل اعتبارات دهیاری و دیگر کمک ها و ۲۰ میلیون تومان هم از اعتبارات شورای اسلامی وقت روستا تامین شد و توانستیم ساختمانی با ۱۵۳ متر مربع زیربنا که دارای ۴ اتاق اداری و یک اتاق بایگانی و یک سالن جلسات بزرگ و سالن انتظار و آبدارخانه در طبقه بالا و دو مغازه تجاری و یک انبار بزرگ در پایین بسازیم که در هفته دولت سال ۹۱ توسط آقای دادبود معاون وقت عمرانی استاندار گلستان افتتاح شد و با توجه به رضایتی که از این ساختمان وجود داشت ایشان از بوستان محلی هم بازدید و جهت ساخت آنجا هم مقداری اعتبار دریافت کردیم. و امروزه این ساختمان جزو بهترین ساختمان های دهیاری های استان می باشد.

سال ۱۳۸۸ مردم روستا طوماری با بیش از صد امضاء به دفتر شورا و دهیاری تحویل دادند که در آن خواسته بودند شورا و دهیاری اقدام به تکمیل آن قسمت از مرتع که در سال ۱۳۸۲ جهت احداث پارک و بوستان محلی درختکاری شده بود بکند تا محمدآباد یک مکان زیبا و آبرمند برای گذراندن اوقات فراغت خانواده ها و بازی کودکان داشته باشد، با اینکه همان قسمت از مرتع که برای پارک در نظر گرفته شده بود جدیداً مدعی جدی پیدا کرده بود ولی بر اساس خواست مردم انجام وظیفه کردیم و مردم هم آمدند در کنار دهیاری و شورا و کار را بطور جدی شروع کردیم، دیوار چینی قسمت حاشیه جاده، خیابان بندی و قطعه بندی و پیاده سازی نقشه جزو اولین کارهای دهیاری در پارک بود و با اینکه پولی نداشتیم با کمک مردم و توکل بر خدا کار را شروع کردیم و تا بحال هم ادامه دادیم و پارک را بجایی رساندیم که می توان گفت در صورت تکمیل آن، با داشتن دو هکتار مساحت، بزرگترین



پارک روستایی کشور و محلی امن و زیبا برای اهالی محترم روستا و الان در شرایطی قرار دارد که علاوه بر استفاده اهالی محترم محل استراحت و بیتوته موقت مسافران نیز شده است. و این بوستان مزین به نام

و عطر شهدا محمدآباد شده تا انشا... نام شهدای گرانقدر برای همیشه باقی بماند.

این پارک و بوستان بزرگترین پارک روستایی کشور است. و در کنار این یک پارک کودک برای خردسالان احداث شده است.

اطراف بوستان محلی هم انشا... قرار است خیابان بزیم و طرح جاده سلامت را بالاخص برای بانوان روستا اجرایی نماییم. تا همه و بالاخص بانوان روستا بتوانند در آن خیابان با آسودگی پیاده داشته باشند و در محیط امنی و فارغ از حاشیه اوقات فراغت خود را بگذرانند.

در واقع بوستان یکی از همان کارهای اضطراری بود که عرض کردم و وقت، انرژی و هزینه زیادی صرف آن شده که خدا رو شکر یک امتیاز و مکان آبرومندی برای محمدآباد است. سعی و اصل انجام کارها بر اساس اولویت ها و برنامه ها بود و با اینکه به سختی و فشار زیاد مشغول ساخت و ساز اولیه بوستان شهدا بودیم با مسأله فاضلاب و جوی فاضلاب معابر هم روبرو بودیم که در همان زمان شناسایی و مشکلاتشان برطرف شد.

انتخاب دهیار نمونه

رعایت کرده بود. برای من بد نشد و توی بخش مرکزی رای گرفتن که ما حدود ۶۰ تا روستا داریم و یک دهیار نمونه معرفی کنید. از قسمت فنی و مالی و شورای بخش و ...، جالب بود که توی این ۵-۶ قسمت که میخواستن رای بدن، تماماً اسم منو نوشته بودن؛ که اون سال دهیار نمونه شدم و یک هدیه هرچند کم قیمت ولی با ارزش دادن به من که انگیزه من بیشتر شد. یک مشکل جسمی هم برای من پیش آمد که عصب صورتی بر اثر فشار کار و عصبی دچار اختلال شد.

اصل داستان انتخاب شدن من به عنوان دهیار برتر، این بود که آقایان رفته بودند زیر پای من را خالی کرده بودند که دهیار ما ۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان پول خورده و خبر رسید به بازرسی استان، بازرسی آمد بازرسی کنه و ببینه چنین چیزی صحت داره یا نه؟ حساب های مالی رو چک کردن و حتی برای فاکتورهای سنگین رفتن حضوری سوال کردند که چنین چیزی هست یا نه؟ دیدن کمتر دهیاری سندهای مالی رو پر می کنه؛ کمتر دهیاری هست که فاکتور هاشو شورا بازدید کنه. تمام این مستندات بحث حسابداری رو من رعایت کرده بودم. ذیحساب من

سگ های ولگرد

برای سگ های ولگرد، یه طرح از طرف بهداشت میاد به نام اتلاف سگ های ولگرد. که تقریباً یک سال پیش با مخالفت رسانه ای روبرو شدن. هر شبی که از گرگان میامدن برای اتلاف سگ های ولگرد، چه سگ تلف می شد و چه نمی شد، پول شکارچی رو از ما می گرفتن. اگر سگ تلف می شد، برای هر قلاده سگ باید ۳۰,۰۰۰ تومان پرداخت می کردیم. ما شب گشت رو که راه انداختیم تصمیم گرفتیم سگ ها رو نکشیم و به همین دلیل به بچه های شب گشت گفتیم شما سگ ها رو جمع کنید و بابت هر سگ هم ۲۰,۰۰۰ تومان میدم. باور نمی کردن که برای هر سگ ۲۰,۰۰۰ تومان بدم، گفتم من حرف زدم و پای حرفم هم هستم. هر وقت جمع کردید به من پیام بدید که من صبح دیدم پیام دادن که ۶ تا سگ جمع کردیم. رفتم دیدم ۶ تا سگ رو جمع اوری شده که با آقای جعفرآبادی تماس گرفتم که سگ هارو سوار ماشین کرده و به جایی انتقال دادیم که نتونند برگردند و دوباره الان گفتن که حدود ۱۵-۲۰ تا سگ دیدن که طی یکی دو هفته آینده به همین روش سگ ها رو جمع می کنیم.

نامگذاری معابر

یکی دیگر از مشکلات و ضعف های روستا این بود که کوچه و خیابان های روستا نامگذاری نشده بودند و تابلویی نداشتند و این مشکل امکان آدرس پستی دادن را برای اهالی غیر ممکن کرده بود و اگر غریبه ای یا خدای ناکرده ماشین اورژانس می خواستند خانه کسی بروند باید از چندین نفر آدرس می پرسیدند و این کار اصلاً خوب نبود. بنابراین کار نامگذاری کوچه ها با استفاده از صاحب نظران و اهالی محترم انجام شد و سعی کردیم از نام تمامی شهدا در نامگذاری کوچه ها استفاده شود یا از بعضی از اسامی محلی برای ماندن آن اسم ها استفاده شود که انجام شد و در آن سال حدود ۳,۵ میلیون تومان هزینه در بر داشت.

بیمه روستا در مقابل حوادث پیش بینی نشده

سال ۹۰ بدترین سال از نظر سیل بود؛ سال ۹۰ با همکاری مردم به عنوان اولین دهیاری بخش مرکزی کارهای بیمه رو شروع کردیم. بیمه پنج گانه متشکل از (سیل - صاعقه - انفجار - طوفان و آتش سوزی)، برای این برنامه ریزی کردیم و نفری ۱۵,۰۰۰ تومان که یه مقداری شو مردم دادن و بقیه شو دهیاری داد. سال ۹۰ حدود ۷۰ درصد مردم روستا بیمه شدن، به خصوص افرادی که حاشیه خیابان سکونت داشتند. از سال ۹۳ تا مهر ۹۴ همه مردم رو بدون اطلاع بیمه کردیم، ۱۶,۷۰۰,۰۰۰ تومان از بودجه ای که از دفتر امور روستایی استان گرفتیم، به حساب بیمه واریز کردیم.

برگزاری جشنواره فرهنگی و هنری



جشنواره هایی که ما برگزار کردیم، یکی از کم سابقه ترین جشنواره ها بود. هدف ما از برگزاری جشنواره اولاً این بود که آداب و رسوم گذشته رو به نسل امروز معرفی کنیم. هدف بعدی شناساندن روستا بود. که یکی از برنامه های ما در این راستا هماهنگی با صدا و سیما بود که ابتدا نیامدن و روز اختتامیه وقتی که همه چیز تمام شده بود آمدند و خیلی افسوس خوردند که یک فضای اینچنینی رو از دست دادن. حدود یک ماه بعد جشنواره غذا برگزار کردیم و با صدا و سیما هماهنگ کردیم که ۱ ساعت و خورده ای پخش زنده داشتیم. که یکی از دوستان پدرم که مکه بود، می گفت توی هتل نشسته بودیم و داشتیم تلویزیون میدیدم که دیدیم داره محمدآباد رو نشون میده و ... فکر کنید اونجا محمدآباد به تصویر کشیده شده بود.

برای امنیت مردم چه فکری کردید؟

یک مرحله شورا دوربین نصب کرد. ولی نصب دوربین به تنهایی تامین کننده امنیت نیست، ما جلسات متعددی با پایگاه بسیج گذاشتیم که پایگاه بسیج یک سری مسائل آنی رو پیش رو می آورد، مثل داشتن حکم شب گشت؛ که یک سری معذوریات دارند. فکر کنم ۲-۳ سالی مرتباً با پایگاه جلسه گذاشتیم که نشد؛ بعد که دیدیم کار خیلی دارد پیچیده می شود! یعنی واقعا آبرو ریزی بود که زنگ بزیم اداره برق و بگویم محمدآباد بدلیل دزدی کابل، خاموشی داره! این شد که یک جلسه خودجوش گذاشتیم و گفتیم: خود ما باید بایم توی روستا بچرخیم. که یه سری هزینه هایی هم باید برایش در نظر گرفت. مثل شام، که از شورا درخواست کردیم که از اعتبارات دهیاری هرشب ۲۰,۰۰۰ تومان به عنوان هزینه ی شام افراد شب گشت، پرداخت بشه. تصمیم گرفتیم که هرشب یک نفر مسئول باشه و گروه را ساختیم. شب گشت از ساعت ۱۲ شروع میشه و توی ماه مبارک رمضان چون بیشتر مردم بیدارن، شب گشت دایر نبود.

● **خود شما چند شب از هفته وقت را صرف شب گشت می کنید؟**

مسئولیت دو شب با منه.

● **و ساعت کاری ات در دهیاری به چه شکلی است؟**

بحث امنیت و راه اندازی گشت شب

هفت صبح میام دفتر تا سه عصر و پنج میام تا نه شب و دوشب هم تا پنج صبح مسئول شب گشت هستم.

● **غیر از شما چه کسانی دیگر مسئولیت شب گشت را به عهده دارند؟**

قربان جعفرآبادی، مجتبی مازندرانی، احمد علیپور و قاسم سالاری مسئولین شب گشت هستند و هر کدام نیروهای خود را دارند. که جا داره از همه عزیزان تشکر ویژه داشته باشم.

● **تاثیر شب گشت، روی امنیت چطور بوده تا الان؟**

از زمانی که شب گشت شروع شده، حتی یک سرقت شب نداشتیم، حتی برای پاسگاه بهاران هم سوال پیش آمده که چرا آمار سرقت محمدآباد گزارش نشده. ولی روز دزدی شده! و ما دوربین ها را چک کردیم و دزد را پیدا کردیم.

● **فرمودید روز دزدی شده، برای خانه ای که سرقت اتفاق افتاده و شما دوربین ها رو چک کردی، چقدر وقت گذاشتید تا دزد رو پیدا کنید؟**

{ خنده }، من ۴ تا دوربین رو از ساعت ۹/۳۰ تا ۲ بعدازظهر چک کردم. که وقتی کار چک کردن تمام شد انگار به صندلی

دوخته شده بودم. سرهمین چک کردن دوربین سه نفر مظنون شدند که باید فیلم ۴ تا دوربین درمی آمد و چک می شد و ما این کار را کردیم.

● **آیا غیر از شما شخص یا اشخاص دیگری هم این فیلمها را می بینند؟**

اگر از مراجع قضایی یا انتظامی، نامه ی کتبی بیاد بله؛ برای مثال یک ماه پیش توی زمین های چنگیزی یک ماشین سفید جلوی موتور پیچید و بنده خدا رو کتک زد و موتور صفر رو بردند. از دادگاه آق قلا نامه فرستادند ولی چون از زمان ذخیره فیلم ها گذشته بود، کاری از دست ما برنیامد. در غیر اینصورت حتی یک ثانیه ی آن به احادی نشان داده نمیشه.

● **و در مود امنیت حرف و حدیث دیگری هم اگر هست بفرمایید.**

گله دارم از اعضای شورای اسلامی که خبری از بچه های شب گشت نمی گیرند تا دلگرمی آنها بیشتر بشه حتی با یک ساعت سرزدن و خسته نباشید گفتن. امیدوارم بعد از این گزارش بیشتر به این قضیه توجه کنند. و همچنین درخواست می کنم مردم و جوانان ما بیشتر از گذشته به شب گشت اهمیت بدهند و کمک کنند تا روستایی عاری از مشکلات امنیتی داشته باشیم.

همانطور که در مطالب هم عنوان شد ساختمان دهیاری محمدآباد یکی از بهترین ساختمان های دهیاری های استان گلستان است. البته شورای اسلامی وقت و دهیاری برای تملک زمین دهیاری دردسر فراوانی را متحمل شدند.

گفتگوی ما با دهیار به پایان نرسیده است و در شماره آینده ادامه گفتگو را از نظر شما می گذرانیم دوست داریم خوانندگان ما انتقادات و نقطه نظرات و سوالات خود را در مورد این گفتگو عملکرد دهیار و امور مربوط به دهیاری با ما درمیان بگذارند.



هم صحبتی با حافظ

«انتظار»

خوش تر ز عیش و صحبت و باغ و بهار چیست
ساقی کجاست گو سبب انتظار چیست
هر وقت خوش که دست دهد مغتنم شمار
کس را وقوف نیست که انجام کار چیست
پیوند عمر بسته به مویست هوش دار
غمخوار خویش باش غم روزگار چیست
معنی آب زندگی و روضه ارم
جز طرف جویبار و می خوشگوار چیست
مستور و مست هر دو چو از یک قبیله اند
ما دل به عشوه که دهیم اختیار چیست
راز درون پرده چه داند فلک خموش
ای مدعی نزاع تو با پرده دار چیست
سهو و خطای بنده گرش اعتبار نیست
معنی عفو و رحمت آمرزگار چیست
زاهد شراب کوثر و حافظ پیاله خواست
تا در میانه خواسته کردگار چیست

جواهر لعل نهرو
و ترک سیگار

نهرو می گوید: تأثیر ماهاتما گاندی (رهبر هند) در برخورد های نخستین زندگی مرا به سوی سادگی سوق می داد، مثلاً کشیدن سیگار را ترک کردم و پنج شش سال لب به سیگار نزدم.

اول اندیشیدم پولی که تلف می کنم و هند کشور فقیری است و این پول مختصر می تواند در راه بهتری خرج شود.

ثانیاً از نظر انضباط با خودم گفتم برای چه من اسیر اعتیاد باشم. ثالثاً فکر کردم، اگر من کشیدن سیگار را در حضور اشخاص دوست ندارم برای چه آن را در خلوت بکشم و آن را دور از صداقت داشتم.

پندهای شیخ انصاری

مرحوم شیخ مرتضی انصاری به یکی از شاگردانش سفارش کرد، سه کار است که اولی را هیچ گاه انجام نده حتی اگر اخلاص داشتی و آن قاضی شدن است. دومی را همواره انجام بده حتی اگر اخلاص نداشتی و آن در خواندن و تحصیل علم است و سوم را اگر اخلاص داشتی انجام بده و اگر نداشتی رها کن و آن امامت نماز جماعت است.

روزنامه نگار نقد نویسی

خوار و بار فروش محله از یکی از مشتریان پرسید، شغل شما چیست؟ مشتری گفت: من نویسنده ام و توی روزنامه نقد می نویسم. خوار و بار فروش گفت: پس چه جوری که شما نقد می نویسی ولی از ما نسیه می گیری؟

زشتی حسادت

روزی حکیمی از شاگردان خود پرسید؛ چه چیز است که برای آدمی بدتر از آن نباشد.

جواب دادند: فقر و تنگدستی
حکیم گفت: حسادت بدتر از آن است؛ چون فقیر و تنگدست مال یابد و حالش نیکو گردد، اما حسود و بخیل هرگز از تنگ نظری و پریشان روانی خلاص نشود.

روایتی از
امیر المومنین (ع)

خداوند به حضرت موسی فرمود: چهار سفارش به تو دارم، در رعایت آنها بکوش.
۱- تا وقتی گناهان خود را بخشوده ندیدی به عیوب دیگران مپرداز.
۲- تا گنج های مرا پایان یافته ندیده ای، برای روزی ات غمناک مباش.
۳- تا حکومت مرا از بین رفتنی ندیده ای به دیگران به جز من امید مبنده.
۴- تا شیطان را مرده ندیده ای از مکر و فریب و نقشه های او ایمن مباش.

حکایت ما و خدا

روزی مهندس از طبقه ششم خواست با کارگرش در محوطه ساختمان حرف بزنه. خیلی اونو صدا می زنه، اما به خاطر شلوغی و سروصدا کارگر متوجه نمیشه. به ناچار مهندس یک اسکناس ۵ هزار تومانی می اندازه پایین تا بلکه کارگر بالا رو نگاه کنه اما کارگر اسکناس را بدون اینکه به بالا نگاه کنه بر می داره؛ بار دوم مهندس یک اسکناس ده هزار تومانی می اندازه و کارگر همان عمل را تکرار می کنه. بار سوم مهندس سنگ کوچکی می اندازه پایین و میخوره به سر کارگر، در این لحظه کارگر سرشو بلند می کنه و بالا رو نگاه می کنه.

این داستان همان داستان زندگی انسان است، خداوند همیشه نعمت هارا برای ما می فرسته اما ما سپاسگذار نیستیم، ولی وقتی سنگ کوچکی بر سرمون می افته که در واقع همان مشکلات کوچک زندگی اند؛ در اون موقع به خداوند روی می آوریم به همین خاطر است که هر زمان از خداوند نعمتی به ما رسید لازم است که سپاسگزار باشیم و قبل از اینکه سنگی بر سرمان بیفتد.

حکایت ملا نصرالدین



دیرباور

روزی یکی از همسایه ها خواست خبر ملا نصرالدین را امانت بگیرد. به همین خاطر به در خانه ملا رفت.

ملا نصرالدین گفت: «خیلی معذرت می خواهم خبر ما در خانه نیست». از بخت بد همان موقع خبر بنا کرد به عرعر کردن.

همسایه گفت: «شما که فرمودید خرتان خانه نیست؛ اما صدای عرعرش دارد گوش فلک را کر می کند.»

ملا عصبانی شد و گفت: «عجب آدم کج خیال و دیرباوری هستی. حرف من ریش سفید را قبول نداری ولی عرعر خبر را قبول داری.»



قرآن؛ صحیفه هدایت

فاطمه شعبانی - فاطمه مازندرانی

از انرژی می بینم، چون سعی می کنم در تمام مراحل زندگی به یاد خدا باشم و بیاد خدا بودن باعث افزایش اعتماد به نفس در زندگی ام می شود.

قرآن را چگونه توصیف می کنید؟

قرآن بخشی از وجود من است. من با قرآن انس و خوی گرفتم و همیشه در مشکلاتم مرا یاری می کند و تنها هدیه ای از خداوند است که مرا هیچوقت تنها نمی گذارد. پندهای زیبا می دهد و انسان را به راه راست هدایت می کند.

آیا تاکنون در مسابقات قرآنی شرکت کرده اید؟

بله، من چهار بار در مسابقات قرآنی مختلف شرکت کرده ام.

آیا تاکنون مقام هم کسب کرده اید؟

بله، به شکرانه الهی، ۲ مقام اول استانی و ۲ مقام اول شهرستانی.

چگونه جوانان و نوجوانان را به خواندن قرآن دعوت کنیم؟

با تشویق آنها به خواندن قرآن، برگزاری محافل و مراسم قرآنی در مساجد و

توصیه ی شما به نوجوانان هم سن خودتان چیست؟

اینکه سعی کنند در راه قرآن قرار بگیرند که هرگز پشیمان نخواهند شد و با توکل به خدا زندگی خوب و شرافتمندانه ای را آغاز کنند؛ همیشه به یاد خدا باشند که یاد خدا باعث آرامش دلها می شود.

آیا تاکنون شده است که بعزت رفتن به کلاس قرآن در درس هایت دچار مشکل شوی؟

خیر اتفاقاً باعث پیشرفت من در درسهایم شده است و از خداوند منان بخاطر این نعمت بزرگ شکر گزارم.

و کلام آخر

از خانواده عزیز و مهربانم و هم چنین از مربیان دلسوزم که زحمات فراوانی برای من کشیدند تشکر می کنم و از خداوند بزرگ خواهانم که همه ی ما را به راه درست و مستقیم هدایت کند.

از چندسالگی شروع به خواندن قرآن کردی؟

از ۹ سالگی به خواندن قرآن کردم و وقتی وارد فضای قرآنی شدم احساس کردم که به قرآن علاقمند شدم و تصمیم گرفتم که تا آخر قرآن را ادامه دهم.

چه دوره هایی را گذراندید تا به مرحله ی حفظ رسیدید؟

زمانی که یکی از مربیان جامعه القرآن از من تست روخوانی گرفت، آنقدر زیبا تلاوت کردم که خودم هم تعجب کردم، برای همین دوره ی روخوانی را نگذراندم و بعد از آن دوره ی تجوید و پس از اتمام آن حفظ قرآن را شروع کردم.

مشوق اصلی شما برای حفظ قرآن چه کسی بود؟

اولاً علاقه ی خودم، سپس خانواده ام.

هدف شما از حفظ قرآن چه بوده است؟

بهره مندی از نعمت های الهی، عشق و عاطفه ی خاص نسبت به ائمه ی معصومین.

آیا حفظ قرآن در زندگی شما ثمره ای داشته است؟

بله، بسیار زیاد. یکی از ثمرات حفظ قرآن بهره مندی و نزدیکی به خدا و ائمه ی معصومین بوده است. از ثمرات دیگر آن پیشرفت در تمام امور زندگی از جمله درسی و دینی و

دوران حفظ قرآن چگونه گذشت؟

روزهای اول سخت بود، اما بعد من توانستم با توکل به خدا و ائمه ی معصومین حفظ قرآن را برای خودم آسان کنم و بسیار خرسندم که توانستم این دوران را با خوبی و موفقیت به پایان برسانم.

چند سال طول کشید تا کل قرآن را حفظ کنید؟

تقریباً دو سال و نیم.

با خواندن قرآن دنیا را چگونه می بینید؟

من دنیا و زندگی ام را سرسبز و سرشار

امام سجاد (ع) می فرماید: اگر همه اهل مشرق و مغرب از دنیا بروند، هرگز از تنهایی وحشت نمی کنم هنگامی که قرآن همراه من است. در روزگاران قدیم در یکی از شهرهای بغداد پیرمرد بی سوادی زندگی می کرد که خادم یک امامزاده بود؛ این پیرمرد هر روز گریه و زاری می کرد و پشیمان بود که چرا از دوران خردسالی به مکتب نرفت و بی سواد ماند. روزی وقتی که این پیرمرد مأیوس و ناراحت بود به خدا و قرآن پناه برد و درخواست کمک کرد. از این ماجرا یک ماه گذشت، که یکی روز صدای فردی را شنید که او را صدا می زد. پیرمرد هرچه اطراف خود را نگاه کرد کسی را ندید. وقتی که وارد امامزاده شد، دو مرد سبزپوش را دید، جلو رفت و آن دو نفر ضربه ای به سینه ی او زدند و پیرمرد از هوش رفت. هنگامی که به هوش آمد آن دو نفر را ندید و از هرکس سراغ آن دو مرد را گرفت هیچ کس آن دو را ندیده بود! ناگهان احساس کرد که می تواند قرآن را از حفظ بخواند همه ی مردم از اتفاقی که برای او افتاده بود تعجب کرده بودند. پیرمرد هر روز خدا را شکر می کرد، اگرچه او حافظ کل قرآن شده بود اما حافظه ی کوتاه مدتی داشت، مثلاً اگر به مکانی می رفت به سختی می توانست راه برگشت خود را پیدا کند. این یکی دیگر از معجزه های بی پایان خداوند است. قرآن سرمایه ای ماندگار و جاودان است. قرآن کتاب هدایت است؛ هرکس با آن انس بگیرد و آیه های آن را با تفکر و تدبیر تلاوت کند، به یقین به گوهر حقایق دست می یابد. قرآن خزینه ای بسیار ارزشمند است. چنانکه امام سجاد (ع) توصیه می فرماید: آیات قرآن همانند خزینه ها هستند، پس چون هر خزینه ای را گشودی سزاوار است که در آن نظر کنی، ریسمان الهی است که انس، تدبیر و تامل در آن انسان را به مقام صالحان می رساند. خداوند به وسیله ی این کتاب هرکس را که در پی رضا و خشنودی او باشد به راه های سلامت، هدایت می کند. اینک با خانم فاطمه سالاری، یکی از نوجوانان موفق روستا که حافظ کل قرآن کریم است به گفتگو می نشینیم.

حیات وحش روستا

سبز قبا

«علی خورشید کلاهی»



پرندگان گروه عظیمی از جانوران مهره‌دار را تشکیل می‌دهند، و تقریباً می‌شود آنها را در همه جا دید. در داخل شهر، روستا، جنگل، بیابان و در هر زیستگاهی به فراخور وضعیت جغرافیایی انواع و اقسام آنها قابل مشاهده‌اند. به طور تقریب از ۸۷۰۰ گونه پرنده شناخته شده در جهان ۴۹۱ گونه آن در ایران شناسایی شده‌اند. مطالعه در زمینه کنترل بیماری‌ها و آفات کشاورزی توسط پرندگان اهمیت آنها را دوچندان کرده زیرا پرندگان در زمره مهم‌ترین عوامل کنترل کننده آفات نباتی قرار دارند و نمونه‌های خوبی برای آزمایش و تهیه واکسن می‌باشند. پرندگان علاوه بر دانه خواری و نتیجتاً کنترل علفهای هرز ناقلین بیماری‌ها و بسیاری از حشرات مضر را نیز کنترل می‌کنند.

در اطراف روستای خودمان هم اگر چرخ‌باز بزنیم انواع پرندگان کوچک و بزرگ شکاری و غیر شکاری اعم از حواصیل، سنقر تالابی، ماهی خورک، کاکایی، زنبورخوار و ... را خواهیم دید. این شماره می‌خواهیم پرنده سبز قبا را به شما معرفی کنیم که این روزها اگر با کمی دقت به آسمان اطراف روستا بنگریم مطمئناً آن را خواهیم دید.

پراکندگی سبز قبا

سبز قبا پرنده‌ای ست که در فصل تابستان در مناطق مختص به خود از پراکندگی زیادی برخوردار است.

این پرنده دو زیر گونه دارد: اولی به نام garrulus که در شمال آفریقا از مراکش شرقی به سمت تونس، جنوب مرکزی اروپا و شرق آسیای صغیر (شمال غربی ایران و جنوب شرقی سبیری) و دومی به نام semenowi که در عراق و ایران (به جز شمال غربی) به سمت شرق کشمیر و شمال ترکمنستان، جنوب قزاقستان و شمال شرقی چین زادآوری می‌کند.

سبز قبا از پرنده‌هایی است که مهاجرتهای طولانی می‌کند. در زمستان به جنوب آفریقا از شرق سنگان تا کامرون و از غرب اتیوپی تا کنگو آفریقای جنوبی می‌رود.

زیستگاه سبز قبا

سبز قبا پرنده مکانهای گرم و خشک است، فضاهای نسبتاً باز با تعدادی درخت. در شکاف تنه درختان کهن و سوراخهای دیواره ساحلی رودخانه‌ها و در خرابه‌ها زادوولد می‌کند.

وضعیت حفاظتی سبز قبا

سبز قبا جمعیت بزرگی در دنیا دارد که نزدیک به ۱۰۰۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰۰ به صورت منفرد در اروپا زندگی می‌کنند (آمار سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰). اما در دهه اخیر به علت استفاده از ماده‌های سمی برای نابودی حشرات و موشها و از کم شدن غذای این پرنده و همینطور تغییر کاربری مکانهای جنگلی و درختی به مکانهای شهری، تعداد آنها به طرز محسوسی کمتر شده است به طوری که در لیست قرمز پرنده‌های اروپایی قرار گرفته است.

دیگر نامها

سبز قبا گونه‌های مختلفی دارد. در جنوب ایران نیز گونه‌های از این پرنده یافت می‌شوند. در منطقه ما این پرنده را به نام «کرکرا» می‌شناسند.

بالهایش آبی تیره و باقی بدنش آبی مایل به سبز است. در بعضی مناطق تمام بدن سبز قبا به رنگ سبز تیره‌است. ۲ عدد جناحی دم سبز قبا رشد فوق العاده دارد و به اندازه ۱۵ سانتیمتر از سایر پرهای دم بلندتر می‌شود. همچنین در بعضی از مناطق نیز رنگ سبز قبا، سبز مایل به آبی و رنگ پشتش شبیه به رنگ شاه‌بلوط است. سبز قبا ی هندی از سایر همجنسان خود کوچک‌تر می‌باشد. سبز قبا ی هندی در مناطق حاره زندگی می‌کند و رنگ پشتش قهوه‌ای و رنگ بال‌ها و دمش آبی روشن و رنگ سینه و زیر شکمش بنفش است. از این نوع سبز قباها در شمال هندوستان، جزایر سلیمان و استرالیا یافت می‌شود.

سبز قباها انواع پرندگان از خانواده سبزقبایان (Coraciidae) و از خویشاوندان «زنبورخوار» و «ماهی خورک» می‌باشند. آنها اندامی محکم و ظاهری شبیه به زاغ کبود دارند. طول بدنشان حد اقل به ۲۲ واحد و حداکثر به ۳۲ سانتیمتر می‌رسد. منقارشان بلند و اندکی خمیده است و نوک منقارشان تاحدی به قلاب شباهت دارد. دم آنها بلند و بصورت‌های چهار گوش یا باد بزی شکل است. بالهایشان بتدریج باریک‌تر و به نقطه‌ای در انتها ختم می‌شود. پروبال انواع سبز قبا بطور عمده از رنگ آبی روشن، سبز و سرخ تشکیل می‌شود. در بعضی از مناطق دنیا پرند ی سبز قبا از زیباترین پرندگان شناخته شده‌اند. باوجود آنکه رنگ پشت سبز قبا قهوه‌ای است، بقیه پرها و بال او آبی رنگ و سبز رنگ می‌باشد.



بهره گیری از کود ورمی کمپوست راهکاری برای سازگاری با کم آبی

تنظیم : محمد مهدی قربانی *

رغبت کاملی برای مصرف دوباره از این کود در باغ‌ها و زمین‌های زراعی خود دارند. استفاده از کرم‌های ورمی کمپوست در تغذیه و سلامت آبزیان به ویژه ماهی قزل‌آلا بسیار موثر است و استفاده از کود و کرم خاکی سلامت غذایی را به دنبال دارد. کود ورمی کمپوست و کرم خاکی علاوه بر اینکه در تولید داروهای ضدسرطان موثر بوده می‌تواند در مواردی برای پماد ضدزخم نیز استفاده شود. استفاده از کود ورمی کمپوست علاوه بر بخش کشاورزی در حوزه شیلات و گلخانه نیز موثر بوده و این امر رضایت کشاورزان حوزه شیلات و گلخانه را به دنبال داشته است.

کود ورمی کمپوست آلاینده‌های محیط زیست را کاهش می‌دهد. زباله‌ها و کودهای دامی یکی از خطرات بزرگ برای محیط زیست محسوب می‌شود. کود ورمی کمپوست حاصل از کودهای دامی و زباله‌های تر شهری - خانگی گام مهم و محکمی در کاهش آلاینده‌های محیط زیست می‌باشد. مصرف کودهای شیمیایی در بخش کشاورزی علاوه بر این که سرطانزا بوده ضربات جبران‌ناپذیری نیز به بخش کشاورزی در آینده نه چندان دور وارد می‌کند که باید در این راستا تدبیر ویژه اتخاذ شود.



کود ورمی کمپوست کود سالم و سازگار با محیط زیست است و صنایع تبدیلی این کود به صورت استاندارد و بهداشتی انجام می‌شود.

* کارشناس کشاورزی

را با مشکلات عدیده برای آبیاری محصولات زراعی کشت پاییزه خود از قبیل گندم و جو و کلزا و همچنین محصولات کشت تابستانه از قبیل سویا و پنبه و ذرت باید گفت که استفاده از کود ورمی کمپوست با داشتن خاصیت اسفنجی در بخش کشاورزی می‌تواند میزان مصرف آب کشاورزی را که بیشترین مصرف را چه از آبهای سطحی و چه از آبهای زیرزمینی را در استان دارد پایین آورده و موجبات افزایش بهره وری مصرف آب را که به مفهوم حداکثر استفاده از هر قطره آب به ازای تولید محصول می‌باشد را فراهم نماید. در حقیقت استفاده از ورمی کمپوست راه حل مناسبی برای صرفه جویی مصرف آب در بخش کشاورزی می‌باشد. زیرا کود ورمی کمپوست ذخیره آبی بالایی دارد بدین مفهوم که بهره گیری از این کود می‌تواند آب را ذخیره کرده و آن را به تدریج در اختیار گیاه و یا درخت قرار می‌دهد.

متأسفانه مسمومیت آب‌های زیرزمینی به دلیل مصرف بی‌رویه کودشیمیایی در بخش کشاورزی جای تأمل بوده و بایستی برای رفع این مشکل به بهداشت نهاده‌های کشاورزی موجود دقت کرد. یکی از مزیت‌های مهم کود ورمی کمپوست برای بخش کشاورزی افزایش بهره وری مصرف آب است و باید مجدداً تأکید کرد که کود ورمی کمپوست یکی از راهکارهای اساسی در سازگاری با شرایط با بحران بی‌آبی است موفقیت‌آمیز بودن استفاده از کود ورمی کمپوست استفاده از کود ورمی

کمپوست در استان موفقیت‌آمیز بوده است و برخی از کشاورزان استان با مصرف این کود در زمین‌های زراعی و باغی خود به موفقیت‌های زیادی دست یافته‌اند. کشاورزانی که در زمین‌های زراعی و باغی خود کود ورمی کمپوست مصرف کرده‌اند اشتیاق و

استفاده از کود ورمی کمپوست در بخش کشاورزی می‌تواند میزان مصرف آب در بخش کشاورزی را پایین آورده و راه حل مناسبی برای کاهش مصرف آب در بخش کشاورزی باشد. متأسفانه امروزه در بخش کشاورزی استان گلستان استفاده از کودهای شیمیایی توسط کشاورزان رواج بیشتری یافته و روز به روز بر استفاده کشاورزان از کودهای شیمیایی افزوده می‌شود که این امر بسیار نگران‌کننده است.

با توجه به تأثیرات منفی کود شیمیایی در بخش کشاورزی و خاک استان باید گفت این امر آینده کشاورزی استان را در آستانه تهدیدی بزرگ قرار می‌دهد و بخش کشاورزی را با مشکل جدی روبه‌رو می‌کند. مهمترین راه خارج کردن

کشاورزی استان از بحران جدی را کاهش و حذف گام به گام مصرف کود شیمیایی در باغ‌ها و اراضی‌های زراعی است و بایستی کودهای ارگانیک و آلی فرآوری شده (ورمی کمپوست) به شکل همه‌جانبه در بخش کشاورزی استان مورد استفاده قرارگیرد. همچنین باید اذعان کرد که کشورهای توسعه یافته در بخش کشاورزی مصرف بسیار پایینی در کود شیمیایی دارند. یکی از نیازهای اساسی بخش کشاورزی استان استفاده از نهاده‌های ارگانیک می‌باشد چون این امر بسیار حیاتی و ضروری است که بایستی استفاده آن در بخش کشاورزی برای تولید محصول پاک و سالم نهادینه شود.

کود ورمی کمپوست عاری از مواد شیمیایی و سموم بوده و استفاده این کود تولید محصولات زراعی و باغی پاک و سالم را در منطقه به دنبال دارد. باید تدابیری اتخاذ شود تا استفاده از کودهای شیمیایی در بخش کشاورزی هر چه زودتر حذف شود تا محصولات غذایی و باغی پاک توسط کشاورزان تولید شود.

مصرف کود ورمی کمپوست یکی از راهکارهای رفع بحران کم‌آبی

با توجه به بحران آب و افت سطح سفره‌های آب‌های زیرزمینی و کمبود نزولات جوی طی سالیان اخیر در استان و بروز خشکسالی‌های متعدد که کشاورزان استان

یکی از مزیت‌های
مهم کود ورمی کمپوست
برای بخش کشاورزی
افزایش بهره‌وری مصرف
آب است

اولین مسجد محمد آباد

در گفتگو با حاج آقا هادی حسینی

صداق ناصری محمدآبادی ، محمد عباسی محمدآبادی

آیا شده یک بار زندگی در محمدآباد را در سالهای ۱۳۳۲ تصور کرده باشید؟

آن روز هایی که خبری از آب آشامیدنی امروزی نبود و مادران ما کوزه به دست از منزل تا کنار پل آق بزرگ روبروی انبار شرکت تعاونی فعلی راه می افتادند ، آب از قنات می گرفتند و کوزه بردوش می گذاشتند تا به خانه برسند . آنوقت ها خبری از کوچه و خیابان هم نبود وقتی بارانی هم می بارید آنقدر گل و لای و باتلاق در کوچه ها ایجاد میشد که اصلا رفت و آمد مردم محال میشد. آیا برایت قابل تصور است در چنین روستایی که نه آب نه برق نه کوچه نه مسجد و نه مدرسه و نه عمران و آبادی باشد زندگی چه حسی به آدم می دهد؟ برای ثبت شرایط آن روزها وقتی با ریش سفیدان و سن و سال دارهای روستا هم صحبت می شویم می بینیم برای انجام هر کار خیر عام المنفعه فرد یا افرادی پیش قدم و باعث و بانی کار ماندگاری شدند. کمبود و کاستی را در روستا احساس می کردند دردی را در روستا شناختند و ابتدا با همراهی عده ای اندک برای درمان آن اقدام کردند هر چند در ادامه دیگر مردم نیز همراهشان شدند و کار را به پایان رسانیدند اما نباید از نقش موثر و نیت خیرخواهانه و آغازگر این پیشگامان و بانیان به سادگی گذشت. یکی از این افراد آقای حاج سید هادی حسینی معروف به حاج آقا هادی است که بدون شک یکی از بانیان مسجد جامع محمدآباد است که در سایر کارهای خیر روستا در سالهای دهه ۳۰ پیشقدم بوده است.

بهمن ۱۳۹۲ فرصتی دست داد تا برای مصاحبه در مورد گذشته روستا و شنیدن خاطرات ایشان خدمت حاج آقا هادی باشیم که قسمتی از آن گفتگو در این شماره در مورد ساخت اولین مسجد روستا تقدیم خوانندگان گرامی می گردد. در ابتدا خود را برای ما معرفی می کند. سید هادی حسینی معروف به حاج آقا هادی فرزند میرقاسم متولد ۱۳۰۷ که خواهرش لیلا و برادرش کربلایی ملا علی .

سوالمان را اینگونه شروع کردیم ؛ چي شد که به فکر ساخت مسجد افتادید، حاج آقا هادی در جواب گفت محمدآباد مسجد نداشت و محرم روضه خوانی مردها خانه ما و روضانه خوانی زن ها خانه مشهدی حسین علی پور برگزار می شد. جمع شدیم گفتیم ما مسجد می خواهیم و رفتیم پیش حاج فضل الله حسینی خدایامرز، گفتند اگر تو پیش قدم بشوی و مردم را جمع کنی مسجد ساخته می شود و اگر تو کمک نکنی هیچ کس دست به این کار نمی زند. آن وقت یک سری از مردم نان شب هم نداشتند بخورند و اگر پول هم می خواستی یک قران نداشتند که بدهند و نمی دادند. خلاصه جمع شدیم و برای تهیه الوار به جنگل توسکستان رفتیم. یکی من ، یکی علی لیلا(حاج علی علیپور) ، سید ابراهیم حسینی، حسن رجب(مرحوم حسن ناصری) ، مرحوم فتح اله چارطاقی و رجب ملا علی(مرحوم

حاج رجب سعادت) بودیم که رفتیم جنگل برای الوار. مرحوم حاج آقا رمضان حسینی و مرحوم سید رضا حسینی هم از پشت سر برای پخت و پز آمدند. وقتی از جنگل و سختی های کار جنگل و الوار کشی سوال می کنیم آنچنان با جزئیات از مشکلات و سختی های کار و گرسنگی جنگل برای ما تعریف کرد که انگار تازه از جنگل آمده و عرق بدنش خشک شده. حاج آقا هادی گفت قبل از رفتن جنگل مرحوم حاج حیدر

حسن نژاد چند کیلو حلوا ارده برای ما خرید و سر راه هم استاد محمد نوملی را گرفتیم و رفتیم توسکستان وقتی رسیدیم یک درخت مازو را زمین انداختیم درختی که کلفتی تنه اش تقریباً هشتاد سانت می شد من گفتم این درخت لاش نمی خوره ، استاد محمد نوملی گفت لاش می خوره دو روز تمام کوبیدیم تا این درخت را الوار کردیم ۲۵ تکه الوار از این درخت گرفتیم غذای ما هم تمام شده بود همه ما گرسنه مانده بودیم حاج علی علی پور را فرستادیم تا برای ما شیر بخرد . آن نزدیکی خانه ای بود که صاحبش یک گاو شیری داشت به حاج علی گفتیم برو آنجا و اول پول را به صاحب گاو نشان بده و بگو آمدم شیر بخرم حاج علی برای تهیه شیر رفت وقتی آنجا می رسد او به حاج علی شیر نمی فروشد حاج علی دست خالی برمی گردد آن مرد شیر به ما فروخت گفت شیر ندارم و بعد به شهر رفت تا شیرش را بفروشد ما تا فردای آن روز صبر کردیم هنوز دو درخت دیگر را باید می زدیم و همه گرسنه بودیم فتح الله چهارطاقی گفت بیایید جمع شوید من می خواهم یک دعایی بکنم همه آمین بگویید جمع شدیم فتح الله دست به آسمان برداشت و گفت خدایا ما برای خانه تو آمده ایم و گرسنه ماندیم هنوز ظهر نشده برای ما غذایی بفرست که حد اقل گرسنه نمایم همچنین یک ساعت نکشید بعد از این دعا که سرو صدا بلند شد و متوجه شدیم یک گاو از چکل پرت شد پایین . میخواهم تاثیر دعا را بگویم که به یک ساعت نکشید.

فتح الله دست به آسمان برداشت و گفت خدایا ما برای خانه تو آمده ایم و گرسنه ماندیم هنوز ظهر نشده برای ما غذایی بفرست که حد اقل گرسنه نمایم همچنین یک ساعت نکشید بعد از این دعا که سرو صدا بلند شد و متوجه شدیم یک گاو از چکل پرت شد پایین . میخواهم تاثیر دعا را بگویم که به یک ساعت نکشید.

خیلی خویی هم برای مردم خواند و خانه ما ماندند و فردا رفتند و قرار شد بعدا بیایند اما هیچ وقت بر نگشتند» ■



سر کردیم . حاج آقا هادی اسم اولین بنای مسجد جامع را بخاطر ندارد ولی گفت که من خودم نجاری کردم و چوب ها را بالای دیوارها ریختیم.

حاج آقا هادی در مورد نوحه خوانها تنها کسانی را که بیاد می آورد یکی حاج حیدر حسن نژاد و یکی کربلایی قنبر حمزه ای است و از اذان گوها از شیخ علیرضا مکتبی نام می برد.

ختم کلام هم خاطره ای است از روضه ای از زبان حاج آقا هادی « یک سال یک نفر کت و شلواری یک نوکر و سه تا اسب داشت آمد به خانه ما . اسب هایش بار پارچه داشت که از پاکستان آورده بود ، آمدند خانه ما پیش پدرم و گفتند ما امشب می خواهیم اینجا بمانیم پدرم گفت : خوب بفرما آنوقت غروب که شد من را گفت برو توی ده و مردم را خبر کن بیایند اینجا روضه خوانی پدرم گفت : تو که کت و شلواری هست روضه خوان هستی ؟ گفت : مگر نمی دانی پهلوی عمامه را از سر ما گرفته ؟ خلاصه رفتم و مردم را خبر کردم جمعیت آمدند آن شب یک روضه

متوجه شدیم یک گاو از چکل پرت شد پایین و ما رفتیم گوشت بخیریم که گوشت هم به ما نفروختند و بردند شهر فروختند. می خواهم تاثیر دعا را بگویم که به یک ساعت نکشید .

بالاخره به هر بدبختی بود یک ماشین کرایه کردیم و حرکت کردیم. وقتی ماشین می خواست از رودخانه عبور کند نزدیک بود چپ بکند که خدا رحم کرد و گرنه بیشتر ما زیر الوارها می ماندیم و از بین می رفتیم. بالاخره رسیدیم جلین. تمام پیچ های چرخ های ماشین برده بود. چوب ها را جلین پیاده کردیم و فردا شب چوب ها را محمدآباد رسانیدیم.

حاج آقا هادی گفت که با وجودیکه زمین مسجد را از همان اول هم زمین مسجد می گفتند ولی آقای واثقی ارباب محمدآباد آمد و گفت که راضی نیست اینجا مسجد ساخته بشه که حاج آقا رمضان جوابش را داد و ما کار را تمام کردیم. اول ۱۰ تا ۱۵ نفر جمع شدیم و یک روزه بنیاد مسجد را کندیم و پول دادند کومشی ها خشت زدند و آورند پای کار و بعد از چند ردیف آجر چینی بالای بنیاد بقیه دیوار را با خشت خام چیدیم و چوب ها را بالای دیوارها ریخته و سفال

سود آوری پرندگان

«» امیرحسین سعادت

حال خود گذاشتید، جز ۵ دقیقه در روز و پول اولیه شما ۴۰ هزار تومان بوده، بعد از ۲۳۰ روز ۱۶ جوجه و ۴ جفت و ۶ تای دیگر جوجه دارید که آماده جفت گیری هستند. شما ۲۳ مرغ عشق دارید، با گذشت ۷۰ روز دیگر شما ۱۵ جفت مرغ عشق با میزان تولید مثل بالا خواهید داشت. حال اگر تمام خطرات یا مرگ و میر آنها را به حساب آوریم، شما هر ۵۰ روز ۴۰ عدد جوجه خواهید داشت که پول غذای آنها در ۵۰ روز حدود ۴۰ هزار تومان می شود.

در نتیجه شما نباید این پرندگان را برای سودآوری در خانه نگه دارید ولی در کنار عشق و علاقه شما به پرندگان و رعایت کردن تمام اصول برای نگهداری آنها، منبع در آمد مناسبی خواهد بود و در کل هزینه ی ۴۰ هزار تومان در اول، و صبر و حوصله کردن در یکسال، تا نقطه ی شروع سوددهی بالا.

خوب، با رنگ مناسب و جوجه کش ۱۵ الی ۲۵ هزار تومان است، باید دقت کنیم که مرغ عشق ها پیر یا جوجه نباشند. در مورد مکان زندگی، سعی کنید با هزینه ی کمتر خودتان قفس را در گوشه ای درست کنید، اگر مرغ عشق روی زمین باشد بهتر است؛ اگر قفس هایتان را برای ۲۰ مرغ عشق درست کنید و یک جفت بیندازید به متراژ ۱×۱٫۵ متر مرغ عشق به طور متوسط در هر ۵۰ روز ۳ الی ۵ جوجه می دهد.

در ماه های اول شاید پोलتان را بدست نیاوردید یا پول غذا را با خرج خودتان بدهید، ولی پس از گذشت ۱۸۰ روز شما ۱۲ جوجه دارید که جوجه های سری اول شما تبدیل به جفت و آماده ی تولید مثل می شوند. پس شما ۳ جفت اضافه کردید و ۶ جوجه دیگر دارید و در کل ۴ جفت جوجه کشی که مقدار بالایی است و در هر ۵۰ روز شما به طور میانگین ۱۶ عدد جوجه می گیرید. شما پس از گذشت ۲۳۰ روز که مرغ عشق ها را به

پرندگان نقش زیادی در تسکین استرس و آرامش برای انسان ایفا می کنند و از نظر روانشناسان رنگ پر پرندگان به طور ناخودآگاه باعث آرامش و لذت بردن از آن می شود و هر انسانی را به خود جذب می کند. مرغ عشق به عنوان یک پرنده ی ارزان قیمت و زیبا، پرنده مناسبی برای نگهداری است؛ زیرا مرغ عشق نسبت به گونه های دیگر مقاوم است و به همین دلیل می توان آنها را در خانه هایی با فضای کم نگهداری کرد. البته در کنار زیبایی و جذابیتی که دارد، با پول اندک هم می توان از این پرنده سود خوبی بدست آورد. اما در قدم اول نباید به دنبال سود بود و باید به آنها علاقه ورزید و جای مناسب برای تولید مثل و آب و غذا برایشان فراهم کرد که این کارها در روز فقط ۵ دقیقه از وقت شما را می گیرد. این پرنده با تولید مثل نسبتا خوب و بازار خرید مناسب سودآور است ولی نباید عجله ای داشته باشید. قیمت یک جفت مرغ عشق



yon.ir/KendesP

دانلود تمامی قسمت

های کندس پادشاه

کندس پادشاه

قسمت ۷

در شماره قبل تا آنجا خواندیم کندس شاه داستان اختلاف حاج طهماسب و خواهرش را شنید و دنبال راه چاره ای برای حل این اختلاف بود

حالیشان مشه انتخابات چیه؟! نظر دادن چیه؟! والا به خدا... الان مثلاً گرفتگی این فرجام مول خو و اون برار خلوکش فرجاد ر گذاشتی باراً تر تمیز کردن خیابانا که چی بشه مثلاً؟! اینا اوضاع احوالشان معلومه دکه... اون پیرشان که ۵ سال بارزاد زندان بوده. مردی هم که بره زندان دکه بچه هاش ازش حساب نمیران که، بچه ای هم که از پیرش حساب نبره مشه این... من نمیدانم اصن شما با چه عقلی با اینا رفت و آمد منین؟! اصن در شأن شما نیست.

کندس شاه صحبت های مرد را برنمی تابید ولی به خاطر موقعیتش هم نمی خواست زیاد عصبانی برخورد کند.

در جواب مرد ابتدا گفت: ببخشید من اسم شما را نمی دانم!

مرد جواب داد: عاقبتی هستم

- ببینید آقای عاقبتی! درست نیست پشت سر جوان مردم این حرف ها را می زنید، این پسر دارد کنار من و شما زندگی می کند. اصلاً فرض کنیم خطایی هم مرتکب شده، درست نیست اینجور پشت سرش حرف بزنیم یا زندان رفتن پدرش را علم کنیم و هر چه از ذهنمان عبور کرد به زبان بیاوریم. حالا شما هم اگر چیزی از این پسر دیدید به من بگویید تا با او صحبت کنم، اگر هم نه که بهتر است دیگر این بحث را ادامه ندهیم.

- والا آقای کندس خواه، مردم الکی حرف نمیزنان! این ولد چموش مٹ اینکه یه کم هیز بازی در میاره، حالا اگر دیدیش باهاش حرف بزن ببین قضیه از چه قراره؟! بهش هم بگو اینقدر هم سر کوچه ما بالا پایین نره، ما کور نیستیم. فعلاً با اجازه -مرحمت زیاد

مرد خداحافظی سردی با کندس شاه کرد و رفت. کندس شاه هم رفت سمت خانه ی طارق تا با فرجام صحبت کند. در که زد فرجاد در را باز کرد

- سلام آقای کندس خواه! بفرما داخل، بفرما

به اتفاق خودش و خواهرش تشریف بیاورید دفتر تا موضوع را زودتر حل و فصل کنیم. - چشم آقای کندس خواه، انشالله... اگر فرصت شد همین فردا خدمت میرسیم. حق الناس هر چه زودتر رفع و رجوع شود بهتر است. آدمیزاد شیر خام خورده است، گاهی با همه ی خوبی هایمان یک نقطه ضعف و گناه بزرگ در ما پیدا می شود که موجب تباهی ما می شود. حق الناس هر چه که باشد گناه بزرگی است، خدا کند که حاج طهماسب گرفتارش نشده باشد

- والا اگر این حاج طهماسب مثل تعریف های شما باشد که مسئله ی مهمی نیست ولی اگر زیر بار نرود و خواهرش هم کوتاه نیاید آن وقت مشکل کمی پیچیده می شود. ولی من بعید می بینم مشکل به این سادگی رفع و رجوع شود. به هر حال من منتظران هستم. من دلم بیشتر برای آن زن بنده خدا می سوزد، مثل اینکه فشار زندگی واقعا تاب و تحملش را بریده

- انشالله... که مشکل آن بنده خدا هم زودتر حل شود

- انشالله... من دیگر رفع زحمت کنم، منتظر شما هم هستم. با اجازه

- به روی چشم. خداحافظ

کندس شاه از در مسجد که بیرون آمد یکی از اهالی صدایش کرد: سلام علیکم آقای کدخد! کدخدای زحمت کش

کندس شاه: علیک سلام، متشکرم. شما خوب هستید؟! در خدمتم

- احوال شما؟! اوضاع و احوال مجمع ده کاری چطوره؟!؟

- شکر، فعلاً که داوطلب ها مشغول کار هستند و مردم هم کم بیش نظرشان را اعلام می کنند.

- ای آقای کدخد! الکی خدته انداختی مننه دردرس، مٹ بقیه چار تا آدم درس درمن و کار بلد و پیر مار (پدر و مادر) دار ر انتخاب مکردی این همه مردم عذاب نمیدادی، کار خدتم سخت نمیکردی. این مردم چی

خواهر و برادر که از دفتر کدخد رفتند کندس شاه رو به خانم شازم گفت: می بینید خانم شازم! به خاطر دو روز دنیا و کمی بهتر زندگی کردن بردار حاضر است حق خواهرش را بخورد. خانم شازم سری تکان داد و گفت: یعنی آقای کندس خواه! اینجا خیلی ها از این گرفتاری ها دارند... مادرم خدا بیامرز هم همچین مشکلی را با دایی ام داشت. روزهای آخری که مریض بود من همیشه کنارش بودم، یک روز به من و برادرم گفت به دایی تان بگوید که من از حقم نمی گذرم، اون پول ها و زمین ها حلال نیست، موقعی که پدرمان زنده بود من هم برای اون زمین ها زحمت کشیدم... دو شب بعد هم خوابید و دیگه بیدار نشد. اشک در چشمان خانم شازم حلقه زده بود، بعد از چند ثانیه که سرش را پایین انداخته بود رو به کندس شاه کرد و گفت: مادرم به خاطر آبروی پدرش هیچوقت نفرت جایی شکایت کنه یا حتی پیش کسی درد دل کنه. همش میگفت دلم نمی خواد مردم بگن بچه های "رادمرد" سر مال دنیا با هم اختلاف دارن. کندس شاه: برای مادران متاسفم خانم شازم، خدا رحمتش کند.

غروب که کندس شاه به مسجد رفت بعد از نماز به اتفاق روحانی روستا آقای "سازش" گوشه ای نشستند تا راجع به مسئله ی حاج طهماسب و خواهرش با او صحبت کند. آقای سازش وقتی جریان حاج طهماسب و خواهرش را از کندس شاه شنید بعد از اندکی تأمل گفت: چی بگم والا آقای کدخد! راستش من هم مثل شما اینجا تازه وارد هستم و چند ماهی بیشتر نیست که اینجا سکونت دارم. با مردم اینجا هم کم بیش در ارتباطم. حاج طهماسب زیاری را هم می شناسم و یک بار هم به خانه اش رفتم، ظاهراً آدم بدی نیست، الان هم درست نیست در موردش زود قضاوت کنیم.

کندس شاه گفت: خب! پس اگر شما با او رفت و آمد دارید، برای یکی دو روز آینده

- سلام، کسی خانه نیست؟

- نه! شما بفرما بشین من برم یک چایی دم کنم

فرجاد داشت در آشپزخانه زیر کتری را روشن می کرد که کندی شاه با صدای بلند از داخل اتاق پرسید:

- پس پدرت و فرجام کجا هستند؟

فرجاد زیر کتری را که روشن کرد، آمد کنار کندی شاه نشست و جواب داد:

- بابام که مسجد بود دگه الان باید سروکله ش پیدا بشه، فرجام هم رفته پیش ساعد احتمالا امشب دیر میاد خانه.

- ببینم فرجاد! عاقبتی می شناسی؟

- والا عاقبتی که زیاد داریم! قیافه ش چه شکلیه؟

- سبیل ندارد، یک مقدار هم لنگ می زند انگار

- آها! فهمیدم کی ر مگین. آره مشناسمش، چطور مگه؟؟ مشکلی داشته آمده پیش شما؟؟ آمارشه دریام؟؟

- نه! بعد از مسجد با من راجع به فرجام صحبت کرد. می گفت این پسر زیاد دم

کوچه ما می پلکد! جریان چیه؟؟

- والا آقای کندی خواه شما که غریبه نیستی، شما هم جای پدر ما. راستش فرجام یه دختره ر منه اون محل میخاد. به خاطر همین زیاد اونورا مره، البته شما فعلا به پیرم چیزی نگو. الان یه هفت هشت ماهی هست همدگر میخان. دختره پیر نداره. پیرش سه چهار سال شده عمرشه داده به شما، الان با مارش و برار کوچیکش زندگی منان. پرارش سنی نداره، خیلی باشه ده یازده سال. دختر هم بیشتر سرش تو کار خدشه، داخل خانه خیاطی منه زیادم بیرون نمیداد. دختر خویبه در کل...

- پس که اینطور!!! سرم خلوت تر شد حتما باید یک صحبتی با این شازده داشته باشیم. راستی در مورد حاج طهماسب زیاری چقدر اطلاعات داری؟؟ می شناسیش؟؟

- آره! مشناسمش. والا ظاهرا که آدم بدی نیست ولی یک خازا (خواهرزاده) داره که پشتش زیاد بد و بیراه مگه... البته من زیاد با خازاش دم خور نیستم، فقط در حد سلام علیک. ولی این ور اون ور که میبینمش پشت

سر دایی ش زیاد حرف مزنه. همش مگه این فلان فلان شده حق ما ر خورده و مال ما ر بالا کشیده و از این حرفا. منم زیاد درگیرش نشدم که ببینم داستان چیه و از چه قراره...!! مث اینکه کتری جوش آمد، من برم چایی ر دم کنم.

فرجاد که چایی را دم کرد، طارق هم از راه رسید و کندی شاه یک ساعتی را آنجا مشغول صحبت با طارق و فرجاد بود و سپس به خانه اش رفت. ذهنش هنوز درگیر فرجام بود که به خاطر یه خاطرخواهی ساده چه حرف هایی که پشت سرش نیست! یاد دوران جوانی خودش افتاده بود، یاد روزهای خوشش با همسرش، یاد اولین باری که همسرش را دید... دلش برای زن و بچه هایش تنگ شده بود، اما حتی نمی دانست الان کجا هستند و دارند چطور زندگی می کنند!!

ادامه دارد...

از گلستان من ببر ورقی



کاروانی در یونان بزدند و نعمت بی قیاس^(۱) ببرند. بازگانان گریه و زاری کردند و خدا و پیمبر شفیع آوردند اما فایده نکرد.

چو پیروز شود دزد تیره روان چه غم دارد از گریه کاروان؟

لقمان حکیم اندر آن کاروان بود، یکی از کاروانیان او را گفت که مگر اینان را نصیحتی کنی و موعظه ای گویی تا از مال ما دست بردارند که دریغ باشد چنین نعمتی که ضایع شود، گفت: دریغ ضایع کردن حکمت است که با اینان گفتن. آهنی را که موریانه بخورد --- توان برد از او به صیقل، زنگ



مردکی را چشم درد خاست. پیش بیطار^(۲) رفت که دوا کن. بیطار از آنچه که در چشم خرها میکرد در چشم او ریخت و کور شد. مردک شکایت به قاضی برد و گفت: این بیطار من را خمر فرض کرد و از آنچه که در چشم خرها میریخت در چشم من فرو ریخت و کور شدم، قاضی گفت: بر بیطار هیچ توان نیست اگر تو خمر نبودی با حضور



با سیه دل چه سود گفتن و وعظ --- نرود میخ آهنین بر سنگ همانا که جُرم از طرف ماست

به روزگار سلامت، شکستگان دریاب / جبر خاطر مسکین^(۳)، بلا بگرداند چو سائل به زاری طلب کند از تو چیزی / بده و گر نه ستمگر به زور بستاند

۱- نعمت بی قیاس: ثروت بی اندازه

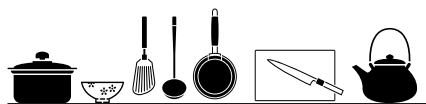
۲- جبر خاطر مسکین: مهربانی و دستگیری از مسکین

طبیبان حاذق پیش بیطار نمیرفتی. ندهد هوشمند روشن رای به فرومایه، کارهای خطیر بوریاباف^(۴) اگر چه بافنده است نبردش به کارگاه حریر

۱- بیطار: دامپزشک، پزشک حیوانات

۲- بوریاباف: حصیر باف

مطبخ



نان سرغریلی*

مواد لازم:

۳ پیمانه آرد - ۱ پیمانه روغن - ۱ عدد تخم مرغ - یک قاشق غذاخوری پودر کیک - آب به اندازه دلخواه - پودر قند و هل به میزان لازم ابتدا مواد ذکر شده را کاملاً باهم مخلوط کرده تا خمیر یک دست شود؛ یک ساعت می گذاریم تا خمیر ور بیاید و سپس خمیر را باز کرده و روی غربال (الک) کشیده و آماده می کنیم و سپس حدود ۱ ساعت در گوشه ای گذاشته و روی آنها را می پوشانیم و در آخر در روغن سرخ کرده و به آن پودر قند و هل اضافه می کنیم.



* در زبان محاوره و روزمره نان سرغریلی هم می گویند.

خرید و پرداخت از طریق کدهای USSD

محسن حمزه ای

تفاوت HTTP و HTTPS

توی این ۲ شماره درباره خرید و پرداخت الکترونیک توضیحاتی دادم. اما نکته ی ضروری در بحث خرید و پرداخت اینترنتی، امنیت پرداخت بوده و هست. اما http و https که شاید خیلی کمتر به آنها توجه کردید، چیستند؟ http در ابتدای سایت به معنی ارتباط غیر امن و سه طرفه است! یعنی ممکن است کامپیوتر یا شخص دیگری در حال ثبت اطلاعات تبدیلی (شماره و رمزهای کارت اعتباری) شما باشد. اما https که S آخر آن به معنی امن (Secure) است، حالت امنی را ایجاد کرده که ارتباط شما دوطرفه است که بیشتر در سیستم اینترنتی بانک ها و درگاه های پرداخت استفاده می شود و تنها راه تشخیص صفحات جعلی از صفحات اصلی اینترنت بانک و درگاه های پرداخت می باشد. سرعت https بدلیل رمزنگاری، کمتر از http است. با توجه به دزدی های اینترنتی، به وجود ۱۰۰ درصدی https و علامت قفل در آدرس بار مرورگر توجه کنید و همچنین استفاده از صفحه کلیدهای مجازی را فراموش نکنید.

دادیم و بلیط خریدیم، وقتی کاغذ یا مهر نداریم دستانمان به جایی بند نیست! اما بد نیست به این لینکها نگاهی بندازید (yon.ir/hamsafarr) (yon.ir/hamghatar). علاوه بر امکان انجام کارهایی که گفته شد، امکان خرید بلیط سینما، خرید گیفت کارت استورهای مختلف، دریافت و پرداخت خلافی ماشین و همچنین پرداخت حق بیمه تامین اجتماعی از طریق کد ... وجود دارد.

کدهای USSD از نظر امنیت، به راحتی قابل هک شدن نیستند، فقط زمانی امکان هک کردن آنها وجود دارد که هکر وسایل گران قیمت آن را داشته و شما را تعقیب کند، و این کارها فقط برای یک تراکنش چند هزار تومانی!

و یک ایراد کوچک کد های USSD کوتاه بودن زمان ارتباط آن هاست، که اگر در وارد کردن کدهای بعدی در ارتباط فاصله زمانی ایجاد شود، ارتباط قطع خواهد شد.

و نکته آخر اگر مثل یکی از دوستانم، هنوز به خرید و پرداخت الکترونیک شک دارید، بهتر است از خرید یا پرداخت های کم قیمت شروع کنید که اگر خرید و پرداخت آنلاین مشکل داشت، ضرر سنگینی نکنید و زیر ۵ هزار تومان باشد و نکته آخر، سعی کنید تمام اطلاعاتی که توی سایت ها یا کدهای USSD وارد می کنید دقیق باشد تا خدایی نکرده مشکلی پیش نیاید.

#۷۲۴* پرداخت حق بیمه کارفرمایان

#۷۹۷* خرید بلیط قطار

#۱#* خدمات همراه اول و ایرانسل

شماره قبل در مورد خرید و پرداخت آنلاین و مزایای اون از جمله راحتی توضیح دادم و توضیح کمی هم درباره کدهای USSD ! USSD (ارسال پیام از طریق کد دستوری) یک روش ارسال پیام در شبکه می باشد که تقریباً تمام گوشی ها از این کدها پشتیبانی می کنند. پیامهایی که بین یک * و # قرار می گیرند. این کدهای دستوری با سادگی خاصی که دارند یک مزیت نسبت به خرید اینترنتی دارند و آن هم عدم نیاز به کامپیوتر و اینترنت بوده و به همین دلیل با گوشی های ساده هم امکان انجام این کارها وجود دارد.

از طریق این کدها میتوان کارهای زیادی انجام داد. به عنوان مثال: دریافت موجودی کارت اعتباری، خرید شارژ سیمکارت، پرداخت قبض، خریدهای مختلفی مثل بسته های اینترنتی سیمکارت و ... و حتی پرداخت کمک های خیرخواهانه. کد های USSD در ایران بیشتر توسط بانک ها ارائه می شود. اما از USSD استفاده های دیگری نیز میتوان کرد، مثل بازی کردن که همراه اول این امکان را برای مشترکانش فراهم کرده تا از طریق این کدها بصورت تکی یا گروهی به بازی کردن بپردازند. کاربرد دیگر این کدها خرید بلیط است، بلیط های قطار و اتوبوس! مطمئناً الان به این فکر میکنید که ما فرض ما پول

بازی و نرم افزار

کش یا حافظه پنهان، قسمتی از حافظه سریع است که چند دستور را در خود ذخیره کرده تا در مواقعی که رایانه یا تلفن همراه به آن نیاز داشت، سرعت دسترسی به آن، سریع تر از اولین دفعه باشد. هرچه میزان فایلها در حافظه پنهان بیشتر باشد، حجم فضای ذخیره سازی بیشتر استفاده می شود، برای حذف این فایلها و آزادسازی فضای رایانه یا تلفن همراه نرم افزارهایی طراحی می شوند. این نرم افزارها امکان حذف تاریخچه مرورگر اینترنت - حذف فایلهای ذخیره شده ی شبکه های اجتماعی - پاکسازی خودکار کش و ... را دارد.

DomiNations یا (سلطنت، فرمانروایی) یک بازی استراتژیکی جدید و باکیفیت است که مضمون اصلی آن تاریخی بوده و شما در اوایل بازی باید از بین بریتانیا، روم، چین، آلمان، فرانسه، ژاپن، کره و یونان یک ملیت را انتخاب کرده و با پرورش نیروهای خود آنها را برای فتح سرزمین ها و گسترش قلمرو خود آماده کنید و همچنین با ساخت عجایب هفتگانه امپراطوری تان را به امپراطوری برتر تبدیل کنید. حضور شخصیت های مهم تاریخی مانند ناپلئون، کلناترا و ... ؛ داستانی بودن بازی؛ گرافیک بالا و طراحی عالی انیمیشن ها از ویژگی های مهم این بازی است؛ این بازی آنلاین، دارای دیتای جداگانه نمی باشد ولی هنگام اجرا دیتای آن داندود می شود.



گزارش تصویری



{ بازار هفتگی در میدان اصلی روستا }



{ خاکبرداری و لایروبی آب بندان روستا }



{ نصب ست پلی اتیلن در پارک کودک }



{ ارائه گزارش عملکرد دهیاری و شورای اسلامی در مسجد }



{ راه اندازی هوادهی در آب بندان }



{ عملیات جدول کشی کوچه دانش }

محمدآباد در قاب دوربین

نمایی از شالیزارهای پایین دست آب بندان محمدآباد

